



سالنامه ایران نو

اهدائی
محتشم
نوری

سالنامه ایران نو

مدیر و مؤسس :

محمد حسن مقدم

سالنامه سال ۱۳۳۲

محل اداره:

تهران - لاله زار
پاساژ بهار طبقه فوقانی
بهاء پنجاه ریال

شماره حساب بانکی - (۱۰۰۳۹۲) بانکم ملی شعبه پستخانه)
آدرس پستی - تهران پست رستانت - سالنامه ایران نو (یا آدرس
محل اداره) آدرس تلگرافی تهران سالنامه ایران نو
سال اول تاریخ انتشار ۲۴ اسفند
ولی هر ساله ۱۰ اسفند منتشر میشود

خواهش از خوانندگان ارجمند

چون خوانندگان ارجمند سالنامه ایران نو از درستان ماهستند لذا
از دوستان گرامی خود خواهشمندیم تا آنجا که میتواند در راه همکاری
با نشریه که متعلق بخودشان است دریغ نفرمایند و ضمناً برای ما
نهایت خوشوقتی است که اینگونه دوستان ما رابطه مکانیاتی خود
را با ما بیشتر نمایند و اگر انتقاد و یا نظریه ای درباره هر یک از
مطالب سالنامه دارند بما بنویسند تا در آن باره اقدام مقتضی
بمعل آید و فراموش نکنید که ما همیشه برای زیارت نامه های
دوستان خود وقت کافی داریم .

عکس روی جلد: دسته ای ازدوشیزگان ایرانی بمناسبت
فرارسیدن عید نوروز و فصل زیبای بهار در چمنزارها می رقصدند

چاپ سالنامه : چاپخانه شرکت مطبوعات ناصر خسرو

چاپ روی جلد : چاپ تابان ناصر خسرو

گزارشگرین روی جلد از گزاورسازی زیرپوشه
لازار کوچه پستخانه ۳۳۳۴

۱۵۸

۱۰۸۱۵۲

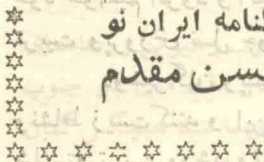
تبریک

عید سعید نوروز را که نمونه درخشانی از عظمت ایران
باستان است به ملت عزیز ایران بخصوص بدوستان گرامی
و خوانندگان ارجمند سالنامه ایران نو تبریک عرض نموده
سلامت و موفقیت آنان را خواستارم و امیداست سال ۱۳۳۲
را ملت عزیز ایران با سعادت و کامیابی بسر برد -
نهایت آرزوی من است که در سال نو جز چهره های گشوده

ولبان متبسم و خندان در میهن عزیز چیز دیگر نه بینم

مدیر سالنامه ایران نو

محمد حسن مقدم



اولین شماره ایران نو و آرزوهای ما همه جا قصد ما ترقی و تعالی ملت عزیز

✻ — ✻ ایران است ✻ — ✻

هنگامی که نخستین شکوفه‌های گل‌های زیبای بهاری با وزیدن نسیم فرحبخش و دل‌انگیز کوهساران بازمیگردند و طبیعت زیبا و وحشی با همه حسن و دل‌فریبی نمودار میشود.

اولین شماره سالنامه ایران نو را که محصول زحمات عده از نویسندگان و هنرمندان کشور است تقدیم دوستان عزیز و خوانندگان محترم این نشریه علمی و هنری می‌نمایم و امید است مورد قبول و پسند همگان واقع گردد. منظور ما از نشر سالنامه ایران نو، توسعه و ترقی سطح فرهنگ، رواج بازار علم و هنر، تشویق و تقدیر دانشمندان و هنرمندان و روشن نمودن افکار عمومی در ایران است و برای نیل به پیروزی و موفقیت حتمی خود در این موارد هر ساله بیش از پیش بر مساعی و کوششهای خستگی‌ناپذیر خود خواهیم افزود و آنچه بیش از همه مورد توجه و علاقه ماست تربیت و پرورش نسل جوان و نسل‌های آینده کشور است.

دوشیزگان و پسران ایران بایستی در محیطی پر از امید و نشاط زیست کنند و این محیط مسموم و خفقان آور امروز هیچ شایسته تربیت و رشد و ترقی نسل جوان ایران نیست و بهمین لحاظ است که ما این موضوع را در درجه اول اهمیت قرار داده‌ایم زیرا نسل جوان است که بایستی در میان این جهنم سوزانی که امروز در ایران ایجاد کرده اند بهشتی پر از لاله و گل و انباشته از عدل و داد بنا نماید.

ما بخوبی میدانیم که هیئت‌های حاکمه جبون و نالایق

گذشته ایران تا کنون نخواست و یا نتوانسته اند کوچکترین قدمی برای رفاه و آسایش ملت بردارند و با بی‌اعتنائی بافکار عمومی و فریاد ملیونها مردم محروم و زجر کشیده اینکشور بزرگترین جنایات خود را در پیشگاه تاریخ به ثبوت رسانیده اند. ولی با وجود این در پس این ابرهای تیره و تار و این شب تاریک و ظلمانی آینده روشن و صبح درخشانی را برای فردای ملت ایران مشاهده میکنیم که در آن روز ملت ما جشن بزرگ آزادی و رهایی از قید و اسارت را با تمام شکوه و جلال بر پا خواهد ساخت و بهمین دلیل است که ما شالوده یک ایران نو و یک ایرانی (ملت) نو را سالها است در مغز و فکر خود جا داده‌ایم.

ما معتقدیم ایران عزیز ما بایستی بدست ایرانی و بفکر ایرانی و بانیروی ایرانی اداره شود و از هر گونه دخالت‌های بیجای دولتهای خارجی در امر نظامی و سیاسی و اجتماعی ما جلوگیری گردد و دولت امروز ایران بایستی با قبول دخالت بیگانگان در امر داخلی ما لعن و نفرین فرزندان آینده ایران را برای خویش ذخیره کند و همان اشتباهی را برای فرزندان آینده ایران مرتکب شود که پدران بی‌تدبیر ما پنجاه سال قبل در موضوع نفت برای امروز ما مرتکب شدند.

آرزوی که انگلیسها پادهان چرب و شیرین و وعده‌های بوج و تو خالی خود بساط استعمار و استثمار ملت ما را در جنوب بلکه در تمام خاک کشور ایران فراهم میساختند هیچکس گمان نمیکرد که روزی این بیگانگان بظاهر آرام و فزاینده ماجرائی سخت و بزرگه نفت را در ایران فراهم خواهند کرد و امروز نیز دولت فعلی ایران بایستی از گذشته، از گذشته که با غفلت و بنا تعمدها همراه بوده است درس عبرت گیرد و فراموش نکند که نسل آینده ایران در باره آنها همان چیزهایی را خواهند گفت که امروز ما در باره امضا کنندگان و منعقدین قرارداد ننگین ۱۹۳۳ و

مسئبتین دخالت انگلیستها در امر داخلی ایران میگوئیم. ملت ایران هنوز پس از پنجاه سال رنج و مشقت در ماجرای نفت میسوزد و در شعله های سوزان و وحشتناک آتش نفت ذوب میشود و زمامداران امروز ایران نیز دور از این آتش ایستاده و باین ماجرای غم انگیز و پرسوز و گداز ملت میخندند.

اگر نفت ملی گشت، زخم سر نیزه و گلوله توپ و تانک را مگر در مکرر ملت چشید. اگر نفت ملی گشت صدمه جبران کمبود خزانه دولت و فشار مالی و گرانی سرسام آور هزینه زندگی را ملت ایران و بخصوص کشاورز فقیر و کارگر زحمتکش ایرانی تحمل کرد تا مگر روزی از این ثروت ملی و هنگفت خود بنحو احسن و دلخواه خود استفاده نموده و از شرایط زندگی یکفرد عادی بهره مند گردد ولی افسوس اکنون که مدت زیادی از ملی شدن نفت میگذرد نه تنها گشایش و بهبودی در وضع زندگی ملت ما پدیدار نگشته است بلکه همان ملتی که دیروز نفت را با هزاران رنج و مشقت و خون دل ملی کرد امروز زندگی خود را نیز در مخاطره می بیند.

دولت آقای دکتر مصدق بجای بهبود وضع مردم و اعتنا با افکار عمومی در ایران قوانین سخت و کشنده برای ملت وضع میکند که بخدا قسم حتی پست ترین قبایل وحشی مرکز افریقا نیز چنین قوانینی را نمی پذیرند.

آخر مگر این ملت گاو و گوسفندند که با قوانینی امثال قانون (امنیت اجتماعی) می خواهید دست و پای آنها را به بندید و نفس آنها را قطع کنید، در حالی که من فکر نمی کنم اگر بخواهند این قوانین را در باره گاو و گوسفند هم اجرا کنند آنها بساکت بمانند.

من نمیدانم اگر رزم آرا زنده بود و امثال این قوانین را که در عرض این یکساله برای ملت، آری برای ملت نجیب و

وهوشیار ایران می آورد، آقای دکتر مصدق با او چگونه رفتار میکرد؟ میدانید کدام دکتر مصدق را می گوئیم، همان دکتر مصدقی که در دوره گذشته در آن جلسه تاریخی مجلس شورای ملی در مقابل ایجاد حکومت نظامی چند روزه دولت رزم آرا بعنوان اعتراض میزهای مجلس شورای ملی را با کوبیدن دست و ابراز تنفر شدید خرد کرد.

ولی دکتر مصدق امروز با دکتر مصدق دیروز که در مجلس و در بیرون مجلس در روی چهار پایه برای ملت صحبت میکرد خیلی فرق کرده است.

امروز دکتر مصدق بکلی از ملت دوری گزیده و حتی خانه خود را نیز بروی ملت بسته است و بهمین جهت نمیتواند اوضاع و احوال مردم را از نزدیک ببیند و به کذب این صحنه سازی ها و دروغ پردازی ها که بعضی از اطرافیان در ظاهر بنام دلسوزی ملت و امنیت کشور در باطن برای واژگون کردن کشور و نابودی ملت تعمداً چیده اند پی ببرد.

امروز سراسر کشور در آتش فقر و فاقه، عدم بهداشت و فرهنگ، نداشتن امنیت قضائی و اجتماعی و هزاران هزار مصائب دیگر میسوزد و شعله های سوزانش تار و پود ملت را از هم می درد ولی کسی نیست که بروی این آتش هولناک آبی بپاشد و این شعله های ملت سوز را خاموش کند.

اگر دولت آقای دکتر مصدق میخواهد با اضافه کردن بهای تمبر پست و کشیدن مالیات بروی مایحتاج مردم طبقه ۳ کشور و فروختن اموال دولتی و غیره بوضع آشفته مملکت و تهی بودن خزانه دولت سر و سامانی دهد سخت در اشتباه است زیرا تاهنگامی که نسبت با مملکت بزرگ و بی حساب چپاول شده و ثروت های زیاد که از راه غارت مردم بدست آمده است رسیدگی نشود وضع خزانه کشور و اوضاع عمومی مردم ایران بهبود نخواهد

یافت
ملت ایران آنروزی که دست یقماگران نفت را از جنوب ایران کوتاه کرد فقط بامیدزندگی مستقل و بهتری برای خود بود و نمیدانست که روزی بنام نفت چه رنج و مصیبتی را برای او فراهم خواهند ساخت و کسانی که خود را پیشرو ملی کردن صنعت نفت در ایران میدانند چه خبط و خطاهائی را مرتکب خواهند شد.

اگر ملت ایران امروز از منابع و منافع مخازن زیرزمینی نفت خود استفاده نمی برد، حاضر هم نیست بنام نفت محرومیتها و شکنجههای طاقت فرسا و بی پایانی را تحمل کند و در حقیقت فدای نفت شود.

زیرا نفت در موقعی ارزش دارد که در تغییر و بهبود وضع زندگی ملت ما مؤثر باشد و آن هنگام که ملتی وجود نداشته باشد نفت نیز ارزشی نخواهد داشت و اگر آقای دکتر مصدق امروز باین نکته اساسی و حیاتی توجه ننماید و نفت را فقط بخاطر وجود ملت و برای مصرف در راه آسایش و رفاه ملت نخواهد تاریخ نویسان درباره وی خواهند نوشت: (نخست وزیری که بجای نفت، ملت را ملی کرد تا در زندگی نفت بهبودی حاصل شود)

ازموریکه

بهار

روی تپه بهار نشسته ام غرق در رویای خویش با آسمان مینگرم و بر اهنمائی پر نده بهاری با بالهای ابر در فضا پرواز میکنم. میگویم ای عشق بگو کجا خانه داری تا سر بر آستان تو نهم و همانجا خانه کنم افسوس که تو پر نده بهار و نسیم سحر گاهان هیچکدام خانه ندارید.

روح من مثل گل آفتاب گردانی پیوسته رو بسوی آفتاب عشق و امید دارد. ای بهار، تو از من چه میخواهی؟ کی صلح و آرامشی را که تشنه آنم بمن ارمغان خواهی داد.

شاد باش

از درآمد. شاهد نوروز چون مهمان نو
بر تن عالم دمید از طلعت خود جان نو
گلبنان را جلوه زین بس خوش بود. چون خوش بود
دختران ترازه رس را جامه الوان نو
حدا باد صبا. کاورد با خود یک جهان
بوی دلکش تا نوازد چهره بستان نو
شیوه زرتشت نوشد. چون (هزار) زندخوان
جلوه گر بر شاخها گردید با الحان نو
شد جهان پیر از دیدار فروردین جوان
گشت پیدا این کتاب کهنه را عنوان نو

☆☆☆

شاد باش ای ملت ایران که زین پس میرسد

باقدم سال نو. عید خوش و دوران نو

نیروی شادی شود پیروز بر نیروی غم
زان سبب یابی بسال نوسر و سامان نو
خیز و رستاخیز خود را بعد از این آغاز کن
چون طبیعت کرده رستاخیز. با بنیان نو
خیز و با تصمیم خود راه سعادت را بیاب

چند در خواب خوشی. این گوی و این میدان نو
جنبشی کن. چاره جو. همتی ابراز کن
در جهان نو بیند اینک یکی پیمان نو

شو (مقدم) بر همه تا اینکه در سال جدید

در وجود آری ز عزم خویشتن (ایران نو)

چگونه

ایران نو بوجود آوریم

کودکان ایرانی بایستی در محیطی پر از شادی

و نشاط تربیت شوند و تمام افراد ملت

از هر دین و مذهب در حقوق مساوی

باشند . . .

.....

در روی معادن و مخازن بیکران و گرانبهای طلا و نفت و در پر تو حرارت مطبوع و دلپذیر آفتاب و هوای لطیف و روح پرور ایران کودکانی بوجود می آیند که در میان تمام کودکان جهان به باهوش ترین و با استعداد ترین اطفال معروفند .

آب و هوای مساعد ، زمین های حاصلخیز و پر برکت ، معادن و مخازن بی حساب نهفته در اعماق زمینهای ژرف و در دل کوههای عظیم این کشور چنان محیط را برای یک زندگی راحت و پر نشاط مناسب ساخته است که در هیچیک از کشورهای جهان مشاهده اینهمه لطف و مواهب طبیعت ممکن نیست .

در این سرزمین وسیع و زرخیز که گنجایش دو بیست میلیون افراد سالم و بانشاط را دارد ، متأسفانه امروز حدا کثر بیش از بیست میلیون نفر سکونت ندارند ، تازه این عده هم (باستثنای عده معدودی) بعلت های مختلف که برای هموطنان عزیز من مکشوف است از تمام وسایل زندگی امروز افراد عادی جهان محرومند و در کمال ناراحتی و عذاب روحی در این کشور بسر میبرند و حکومت

های گذشته ایران نیز نتوانسته و یا نخواسته اند تحولاتی در اوضاع عمومی ملت ما بوجود آورند و طرحهایی که مستلزم رفاه و آسایش ملت ایران است بریزند و از طرف دیگر ملت ما هم آنچنانکه باید در راه ایفاء حقوق ازدست رفته خود کوشش نموده و پیوسته آلت اجرای مقاصد شوم این و آن گشته است .



امروز ملت ما با ملاحظه وضع مردم کشورهای دیگر جهان از همه حیث عقب مانده است و در دنیائی که همه ملتها اختلافات داخلی و خانوادگی خود را زمین گذارده و بطور سرسام آوری برای بقا و حیات خود فعالیت میکنند و طرحهای نوینی جهت زندگی آینده خود میریزند ما دانسته یا ندانسته هنوز بیخبر از

اوضاع جهان و پیشرفت سریع ملت ها در تمام مراحل بدامن زدن آتش نفاق و فرقه پرستی در میان خود مشغولیم و تعجب در آن است که هنوز هم از این خواب گران و مرگبار بیدار نگشته ایم و هر روز دامنه اختلافات داخلی خود را وسیعتر مینمائیم و حال آنکه مردم دیگر جهان مدتهاست در طریق تعالی و ترقی خود گامهای برجسته و بلندی بر میدارند و برای رفاه و آسایش خویش هر روز طرح نوتری میریزند .

ای ایرانی بخدا این خفت و خواری بس است .

بجبران غفلتها و سستی های گذشته و برای ایجاد يك ایران نو و يك ایرانی نو (ملت) برخیز و حربه نفاق و دورویی را بدور افکن و نیروهای خود را درجه و واحدی که باعث نجات ایران و ایرانی از این مهلکه است متمرکز ساز .

تمام ملت ایران از هردین و مذهب و دارای هر زبان و مسلک که هستند در تمام جهات با برادران دیگر خود دارای يك حقوق مساوی می باشند و ملت ما کسانی را که بنام دین و زبان و بعناوین دیگر هر روز آتشی در این کشور روشن میکنند و وسیله ازهم پاشیدگی ملت ما را فراهم می نمایند بدیده نفرت و انزجار نگاه خواهد کرد .

ایرانی ، ایرانی است خواه مسلمان باشد خواه مسیحی خواه کلیسی و کشور ایران نیز بقوم و جماعت بخصوصی تعلق ندارد بلکه از آن عموم کسانی است که ملیت ایرانی دارند و ما برای ایجاد يك ایران نو و يك ملت زنده و بانشاط خواهیم کوشید که تمام طبقات کشور را از هردین و مذهب بهم نزدیک سازیم و نقش دولتهای بیگانه را که از این راه میخواهند مانند هندوستان و کشورهای دیگر اختلاف و نفاق بین ملت ما ایجاد کنند بر آب فرو ریزیم .

امروز که تحولات عجیب و بی سابقه ای در زندگی مردم

کشورهای دیگر پدید آمده است شایسته نیست ما در حال رخوت و سستی بسر ببریم و اگر مانع و رادعی برای ترقی و تعالی ملت در پیش داریم در مقابل آن محکث کنیم ما نباید امروز راهی را در پیش گیریم که ملت های زنده و هوشیار جهان اکنون در پیش گرفته اند و گرنه تا جنبشی نکنیم و ابراز فعالیت نمائیم تحولی در وضع زندگی ملت ما رخ نخواهد داد و فردا است که در اثر اشاعه ترقی و تمدن در سراسر جهان سیاهان وحشی امروز افریقای نیز ما را نامتمدن خواهند خواند . جای تعجب است در کشوری که زمینهای وسیع و آب و هوای مساعد و کانه های گرانبهای بیشمار و خلاصه تمام مواهب طبیعت وجود دارد نه از صنعت اثری دیده میشود و نه از پیشرفت کشاورزان نشانه ای بر جا است و لازم است امروز که ملت ما بادیده روشن تری با اوضاع و احوال جهان و مردم جهان می نگرند برنامه های منظمی بدست خود در زمینه های پیشرفت صنعت و کشاورزی تهیه نماید و امید مساعدتی از طرف دولتها نداشته باشد و بداند برای ترقی و تعالی ملت ایران در زمینه صنعت و کشاورزی راهی جز این ممکن نیست .

پروژه های آبیاری و سد سازی و سایر امور عمرانی و فلاحتی فقط و فقط بایستی بدست ملت و بوسیله ملت ریخته شود و آنهایی که چشم امید خود را در این خصوص بدولتها دوخته اند سخت در اشتباهند زیرا بطوریکه دولتها تا کنون نشان داده اند نتوانسته اند پیشرفتهایی در این خصوص بنمایند .

چیزی که بیش از همه مورد توجه و دقت است تربیت و پرورش کودکان امروز و نسل آینده کشور است که تا کنون از طرف دولتها هیچگونه توجهی بدان نشده است و در نتیجه این عدم مراقبت روحانی خمود و عاری از نشاط و چهره هائی گرفته و اندوهبار در ملت ما پدید آمده است و این عوارض نیز برای زندگی نسلهای

آینده کشور بیش از پیش مضر و خطرناک است. کودکان ایرانی بایستی در محیطی پر از صفا و نشاط و در آغوش مادرانی خندان و سالم پرورش یابند و این محیط خفقان آور و پر ارباب امروز ایران بهیچوجه شایسته تربیت کودکان امروز و نسلهای آینده کشور ایران نیست و این مادران بی روح و بی نشاط که عهده دار تربیت کودکان کشورند بهیچوجه شایستگی این امر را ندارند پس باید در درجه اول در اصلاح محیط و از بین بردن موانع و مشکلات زندگی در این کشور کوشید و سپس با این تحول و اصلاح امید پیدایش نسل سالم و مادران بشاش و شایسته را داشت و این امر نیز جز با جنبش سریع و اتحاد صمیمانه ملت ما میسر نخواهد گشت.

بامید آینده .

ملك الشعراء بهار

نویسنده‌های بود زبردست و فکته منبج

و شاعری حساس و عالیقدر ...

استاد ملك الشعراء بهار بدون شك یکی از مفاخر ادبیات ایران است و خدمات گرانبهایی که این مرد بزرگ بزبان فارسی نموده است بیش از آنست که ما بتوانیم در این چند صفحه بگنجانیم بهار از روزی که قلم بدست گرفت جز بفتح ملت و بزبان ملت چیزی ننوشت و با اینکه مکرر در مکرر مورد خشم و غضب حکومت های وقت قرار گرفت و حتی مدت زیادی در زندان بسر برد با وجود این کوچکترین تغییری در روش و افکار عالی این شخصیت بزرگ ادبی ما پدیدار نگشت .

ملك الشعراء بهار ستاره درخشانی بود که در قرن اخیر در آسمان علم و ادب ایران ظهور کرد ولی بسیار زود غروب نمود و عمر کوتاه وی امان نداد که چند صباحی دیگر در این جهان بپایند و آنچنان که اندیشه او بود بخدمت خود ادامه دهد .

بهار در تمام مدت عمر خود حتی در مواقعی که بکارهای سیاسی اشتغال داشت دمی از حال مردم غافل نبود و دلیل صادق این مدعی نیز هم اکنون در تمام اشعار و آثار گرانبهای او باقی است .

بهار در دوره سوم مجلس شورای ملی برای اولین مرتبه نماینده کی مردم خراسان وارد مجلس گشت و پس از آن در دوره های بعد مکرر بنمایندگی مجلس انتخاب گردید و آخرین دوره نمایندگی او نیز در دوره بانزدهم بود که پس از آن در کابینه قوام السلطنه بوزارت فرهنگ منصوب گشت .

سبک شیوای نویسنده کی وی از زمانیکه روزنامه نو بهار را در مشهد مینوشت تا زمانی که در تهران آخرین لحظات عمر را می گذرانید هیچ تغییری نکرده و این بخوبی دلیل قاطعی بر ثبات و استقامت بهار در ادامه روش و افکار عالی او بود و کسانی که آثار گرانبهای این استاد عالی قدر را خوانده اند بخوبی میتوانند شخصیت و نبوغ او را بیابند .

اشعار بهار دارای يك دنیا لطف و زیبایی است و در عین حال هیچکس نیست که اشعار وی را بخواند و به استادی و زبردستی این شاعر حساس و نکته سنج پی نبرد .

استاد بهار در تاریخ اول اردیبهشت سال ۱۳۳۰ یعنی در بهترین روزهای فصل بهار در بستر بیماری جان سپرد و اختر فروزانی که سالها در آسمان وسیع ادبیات ایران درخشیده گشت میگرد یکباره خاموش و محو شد .

نشانی از او در این دنیا نیست .

يك نيمپايح ماچراچو در قطب جنوب

چگونه يكعهه از سياحان بمنظور كشف قطب جنوب در سينه يخهاى قطبى جان دادند ؟

ترجمه : محمود اميرى

هنگاميكه پس از مشقات زياد به ۲۰ كيلومترى قطب رسيديم برودت روز افزون هوا و فرا رسيدن فصل زمستان مجبورمان نمود كه با سرعت مراجعت كنيم، مراجعتى كه بفرار شباهت دارد، مشكل اينجا است كه بايد عرابه هاى سنگين حامل خوار بار و وسايل هم حمل شوند اوانس (Evans) با آنكه جوان قوى هيكلى است بلكلى روحيه خود را باخته و بسختى راه ميرود، به يخ بندان بيردمور (Beardmore) رسيديم صعود و فرود از اين ارتفاعات يخى و كشيده عرابه ها كار مشكلى است، در اينجا اوانس ديگر قادر به حرکت نيست و ناگهان از فراز يكي از تپه ها بدره عميقى سقوط كرد، خود را باورسانديم، بيچاره زخمى شده و لايق قطع كلمات نامفهومى را تكرر مینمود: قطب! قطب!... معلوم شد ديوانه شده، ناچار او را بدرون يكي از عرابه ها جاى داده و پراه افتاديم. ۱۵ فوريه: ترمومتر ۴۰ درجه زير صفر است، دست و پاها يخ زده و راه پيمائى بيتهابيت مشكل است، بهر زحمتى بود خود را ب منطقه روس (Ross) رسانديم، اوانس كه پس از ديوانگى غذا نيمخورد در گذشت و اولين قريانى ما در سينه يخها مدهون گرديد طوفان شروع شده، خوارها برف بروى ما پرتاب ميشود، حالا نوبت به او آتس (Oates) رسيد، باهايش يخ زده و قادر به راه پيمائى نيست، ناچار منتظر او شديم و چند روز از وقت گرانبهاى خود را صرف پرستارى او نموديم، او آتس بخوبى واقف است كه اين توقف اجبارى تا چه حد بضرر ما است و رقفا

تاچه اندازه در باره او فداكارى ميكند، بهمين جهت بيش از اين منتظرمان ننمود و با انتحار مردانه اش به بلاتكليفى ما خاتمه داد! ...

۲۱ مارس: فقط ۲۰ كيلومتر بمقصد داريم، براى ما كه صدها كيلومتر را با آن شرائط طاقت فرسا طى كرده ايم اين فاصله ناچيز است اما طوفان معر كه ميكند و ضربات برف و يخ ما را از ادامه هر نوع راه پيمائى باز ميدارد، ۲۰ كيلومتر فاصله كمى است اما حالا ديگر ۱۰۰ متر راه پيمائى هم غير ممكن است، بدتر از همه خوار بارمان هم در شرف اتمام است ناچار چادرى بپراشتيم و بدرون آن پناه برديم ..

ساعات بسختى مى گذرد، سرما، گرسنگى، نااميدى تهديدمان مى نمايد، اوه! چه زندگى مشقت بارى است.

حالت نزع شروع شده و تلاش بين مرگ و زندگى بعد اعلى رسيد، كوچكترين روزنه اميدى نيست و در اين بيابان منجمد هيچكس بيارى ما نخواهد رسيد، باد تند و مخوف و رعد آسا توده هاى سنگينى از يخ و برف بروى چادر ما پرتاب ميكند، مرگ آهسته و با قدم هاى سبك خود داخل چادر شده و زندگى ما را تهديد مينمايد ..

من هنوز هم قادر بحرکت هستم اما ويلسن (Wilson) و بورس (Bowers) مى نالند و ويلسن ميگويد: «تو به تنهايى حرکت کن و ما را بحال خود گذار شايد از مرگ رهايى يابى و براى خود آذوقه اى تهيه کنى، اما چگونه رفقار ترك كنم و انگه بى مگر ناخداى يك كشتى هنگام خطر ملوانانش را ترك ميكند و تا دم آخر در غم و شادى رفقائش شركت نمينمايد؟»

۲۳ مارس: ويلسن و بورس مردند و اسكوت را تنها و سرگردان گذاردند.

اسكوت پس از مرگ آخرين دوستانش دوروز زنده ماند

و در این مدت آخرین وظیفه خود را درباره اجساد آنها پیاپی رسانید و آنان را در میان توده‌های یخ مدفون ساخت .
در آخرین صفحات یادداشت های روزانه اش این سطور نوشته شده است :

« اگر زنده برمیگشتم ، ماجرای این مسافرت شوم را بپردم حکایت میکردم و یاد آور میشدم که رفقایم از لایق ترین و فداکارترین مردان بودند . »

دقایق بسختی میگذرند نهب طوفان و سایه مرگ چراغ کم نور زندگیم را تهدید بخاموشی مینمایند ، آخرین لقمه نانم تمام شد ! . . .

در اینجا اسکوت برای آخرین بار یادداشت های روزانه اش را در دست گرفت و در آخرین صفحه آن چنین نوشت :

« بفرض که این ۲۰ کیلومتر را طی کنم چه نتیجه ای خواهد داشت؟ آیا بموقعیتی نائل شده و اولین نفری هستم که بقطب رسیده باشم ؟ . . .

من بهیچوجه از مرگ خود متأسف نیستم و اگر از این سفر زنده برمیگشتم با تجربیاتی که بدست آورده ام نظیر همین مسافرت را تجدید میکردم و برای حصول پیروزی از هیچ نوع کوششی دریغ نمینمودم ، زیرا عمل من نمونه کوچکی از سجایای برجسته ملت بزرگی است که برای نیل بموقعت گلشیه موانع و مشکلات را نادیده انگاشته و بمنظور رسیدن به هدف نهائی مرگ را با چهره ای باز استقبال میکنند . . . »

در اینجا قلم را بکناری نهاد و خود را بوسط چادر کشانید ، یادداشت های روزانه اش را در زیر سر قرارداد و کیسه مملواز نمونه های احجار و آثار قطبی را در پهلویش نهاد و در ۲۶ مارس بآرامی جان داد . . طبیعت بر جسمش چیره شد لکن به روح و ایمان او نتوانست غلبه نماید .



باز امشب ای ستاره تابان نیامدی

باز ای سپیده شب هجران نیامدی

شمع شگفته بود که خندد بروی تو

افسوس ای شکوفه خندان نیامدی

زندانی تو بودم و مهتاب من چرا

باز امشب از دریچه زندان نیامدی

باما پس چه داشتی ای تبره شب که باز

چون سرگذشت عشق پایان نیامدی

شعر من از زبان تو خوش صید دل کند

افسوس ای غزال غزلخوان نیامدی

گفتم بخوان عشق شدم میزبان ماه

نا مهربان من تو که مهمان نیامدی

دیوان حافظی تو و دیوانه تو من
 اما پری بدیدن دیوان نیامدی
 نشناختی فغان دل رهگذر که دوش
 ای ماه قصر بر لب ایوان نیامدی
 گیتی متاع چون منش آیدگران بدست
 اما توهم بدست من ارزان نیامدی
 صبرم ندیده که چه زورق شکسته است
 ای تخته ام سپرده بطوفان نیامدی
 عیش دل شکسته عزا میکنی چرا
 عیدم تویی که من بتو قربان نیامدی
 در طبع شهریار خزان شد بهار عشق
 زیرا تو خرمن گل و ریحان نیامدی

از سعدی

عالم تقدیر

تا که در عالم وصل توام آیدوست سری است
 می نخواهم که بدانم چه بعالم خبری است
 غیر از آنها که در بدند همی پرده خلق
 نکنم پرده دری کز بس این پرده دری است
 دیده برگیر ز خوبان که بلای ره عشق
 چون بخوبی نگری ماحصل یک نظری است
 خود کشی از چه کنی بهر معاش شب و روز
 نفس خود کش که نصیب من و تو ما حضری است
 من نگویم که مکن سعی و نکن جهد بلیغ
 سعی بنمای ولی کار بدست دگری است
 سر تقدیر ندانیم و ندانست کسی
 ما همه بی خبرانیم ولیکن خبری است
 سعدی از دوستی دوست نمایان بگذر
 دوست گر عهد بیایان نبرد رهگذری است

پاکستان همسایه و برادر معظم ما است درود بر وان پاک محمد علی جناح قائد اعظم پاکستان

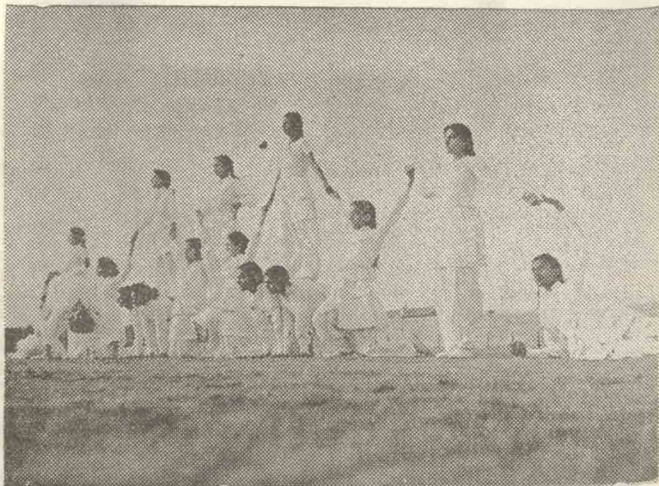
هنگامیکه این سطور را
 می نویسم دلم از شوق
 دیدار پاکستان می طپد
 و افکار و اندیشه های دور
 و درازم در اطراف مهر
 و محبت ملتی دور میزند
 که در همه چیز از فرهنگ
 تا نژاد و از نژاد تا مذهب
 با ما ارتباط کامل دارند.
 درست روز چهاردهم اوت
 ۱۹۴۷ بود که کشور
 بزرگ مسلمانی با ۷۶
 میلیون جمعیت بنام کشور
 پاکستان در شبه قاره هند



محمد علی جناح قائد اعظم پاکستان
 کشتی طوفان زده مسلمانان هند که با امواج سخت و شکننده
 اوقیانوس مدتها در نبرد بود بساحل نجات رسید و نور امید در دل
 سر نشینان این کشتی طوفان زده تابیدن گرفت.
 با تأسیس کشور پاکستان بر رهبری محمد علی جناح قائد
 اعظم پاکستان و یکی از بزرگترین مردان تاریخ عالم آرزوی
 دیرینه مسلمانان هند جامه عمل پوشید و پرچم سبز با علامت ماه
 و ستاره پاکستان در قسمت غرب و شرق شبه قاره هند باهتر از

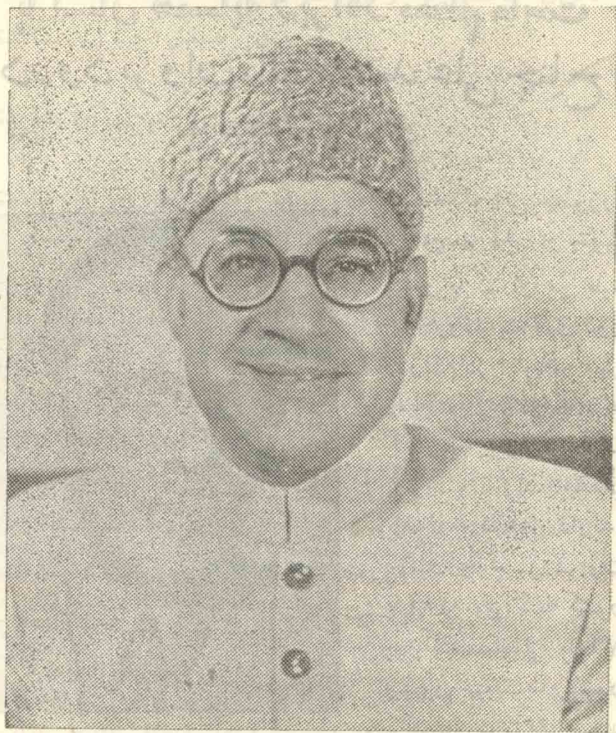
دارای بهترین احساسات و شایسته ترین عواطف بشری بودند
تسلی بخشید .

فکر ایجاد يك کشور مسلمان در شبه قاره هند مدتها بود
که در مغز مسلمانان هند رسوخ یافته و مردان بزرگی چون علامه
محمد اقبال و محمد علی جناح رهبر حزب مسلم ليک پاکستان
بر یختن شالوده آن اشتغال داشتند .



دختران پاکستانی در حال ورزش

روزیکه تأسیس کشور پاکستان اعلام شد زعمای حزب
مسلم ليک با گرفتاریهای عجیبی که یکی از آنها موضوع هجوم
مهاجرین مسلمان بود رو برو شدند ولی این مشکلات در عزم راسخ
و کوشش خستگی ناپذیر آنها نتوانست خللی وارد آورد و یکی
پس از دیگری مرتفع گشت. نخستین اشکالی که دولت جدید التأسیس
پاکستان با آن رو برو گشت مسئله بیسوادى بود که بیش از ۸۶٪



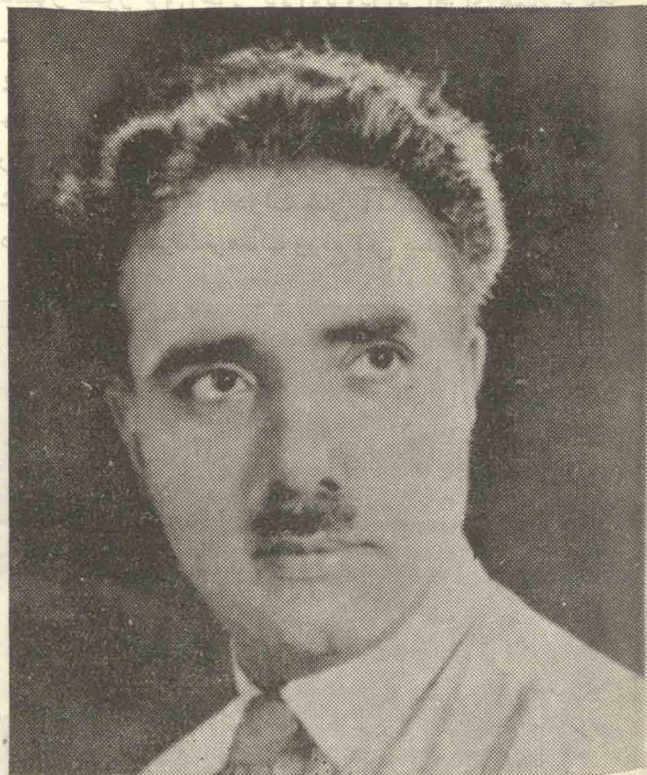
لیاقت علیخان نخست وزیر فقید پاکستان

در آمد مردمی شایسته ولایق پس از سالها رنج و محرومیت رشد ملی
و قومی خود را برای چندمین بار در پیشگاه تاریخ بشوهرت رسانیدند.
استقلال پاکستان گواينکه به قیمت خون میلیونها مسلمانان
هند تمام شد و در این راه این مردم از جان گذشته هستی و فرزندان
و اقوام خود را از دست دادند ولی پرتو فروزانی بود که سرتاسر
این خاک مقدس را یکباره روشن ساخت و بقلوب مردمی که

درصد مردم پاکستان گرفتار آن بودند و از ۷۶ میلیون نفر جمعیت



حضرت غلام محمد فرمانروای کل پاکستان

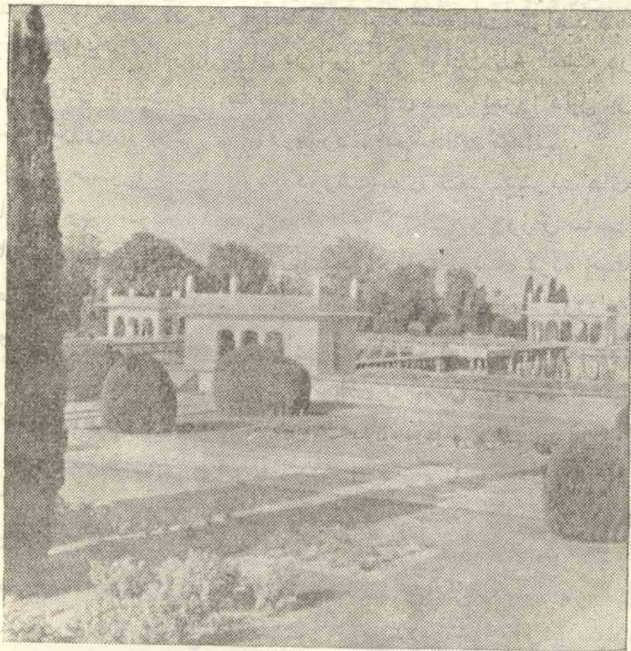


رحمن جغتائی نقاش هنرمند پاکستان

آنکشور فقط ۱۰۳۷۴۰۰۰ هزار نفر که ۱۳۸ درصد جمعیت پاکستان را تشکیل میدهند دارای سواد بودند دولت پاکستان با در نظر گرفتن این تقیصه بزرگ نقشه شش ساله جهت توسعه فرهنگ در هفته اول دسامبر ۱۹۵۲ در کنفرانس مشترک فرهنگی کراچی بتصویب رسانید که امیدمیرود با اجرای آن سطح فرهنگ

نقاشی در پاکستان

هر روز که بر عمر کشور جدید التاسیس پاکستان افزوده
میگردد بهمان نسبت نیز بر علاقه هنری مردم آن سرزمین افزوده
خواهد شد و با وجود اینکه کشور پاکستان امروز یکی از مجامع



لاهور - باغ شالیمار

هنری و نقاشی جهان است معینا از این حیث آتیه درخشان تری
را برای آن کشور پیش بینی میتوان کرد هم اکنون نقاشان زبردست
و باتجربه مانند عبدالرحمن جغتائی - فیض رحمن - سلطان ودر
بانوان صفرا زبانی - رضیه سراج الدین و غیره در آن کشور وجود

دارند که هر يك در سبك كار خود استاد و هنرمند قابل بلای بشمار ميروند و بعضی از آنها مانند صفی الدین احمد شاعر هم میباشند و تخیلات و احساسات خود را بدو نوع (شعر و نقاشی) در روی صفحه کاغذ تجسم میکنند سبک نقاشی برخی از هنرمندان پاکستان با حزن و اندوه و بیم و هراس توأم است و شما این آثار را در روی تابلوهائی که بدست عنایت الله آذر و زین العابدین تهیه شده است خواهید دید و شاید علت این امر را بتوان در اثر تأثیر حوادث تلخ گذشته در روح نقاش دانست ولی ما تسلط بر انعکاس همین امر را دلیل بر هنرمندی و ورزیدگی نقاش در مورد تجسم حالات میدانیم.

ضمناً پاکستان امروز در رشته های صنعتی پیشرفت های قابل توجهی نموده و بخصوص لوازم جراحی و ورزش ساخت کارخانجات آنکشور شهرت بخصوصی در جهان کسب کرده است بطوریکه از لحاظ ساخت لوازم ورزشی اکنون در آسیا در درجه دوم است. شهر صنعتی سیالکوٹ مرکز تهیه لوازمات جراحی پاکستان نیز امروز از این حیث یکی از بزرگترین شهرهای صنعتی آسیاست و میتوان از لحاظ اهمیت صنعتی آنرا منچستر پاکستان و یا مانند اصفهان ایران دانست لوازم برقی و وسایل مختلف لاستیکی و چرخهای تراش فلز و روغن کشی و چرخ خیاطی و همچنین اشیاء پلاستیکی امروز در پاکستان باسانی تهیه و جهت صدور بخارج آماده میگردد و جای تعجب نیست اگر بگوئیم پس از پیشرفت صنعت ماشینی در این کشور ترقی صنعت چای آن نیز بسیار قابل ملاحظه است از شهر سیلپت در استان بنگال شرقی و نواحی کوهستانی چیتا گونگ و تریپورا هر ساله در حدود ۵۵ میلیون پوند چای خشک تهیه و اغلب آن جهت فروش بی بازار های مهم کشورهای اروپا و آسیا و امریکا فرستاده میشود تقریباً در حدود ۸۷۷۵۶ جریب زمین در نواحی نامبرده فوق زیر کشت چای میباشد که بزرگترین باغهای آن ۲۵۰۰ جریب وسعت دارد.

پاکستان امروز

پاکستان برای بقای خود بتندی پیش میرود و با اینکه موانع بیشماری در راه ترقی و تعالی این کشور جوان وجود دارد یکی پس از دیگری به از بین بردن این موانع و مشکلات اقدام میگردد و دولت اکنون تمام وقت خود را صرف پیشرفت فرهنگ و بهداشت و کشاورزی و صنعت کرده است و اگر بگوئیم ایجاد یک



میس فاطمه جناح همشیره قائد اعظم

ارتش نیرومند با تمام تجهیزات امروزه جهت حفظ امنیت در داخله کشور از مطالب و مسائل حتمی و مورد نظر اولیاء امور و سران ارتش پاکستان است نکته سنجیده و بجا گفته ایم پاکستان امروز دارای یکی از بزرگترین دانشگاههای عالی جنگ است که از لحاظ ارزش و اهمیت دومین دانشگاه بزرگ جنگ در دنیا محسوب میشود. این دانشگاه عالی در شهر بزرگ کوئته که دارای ۷۰۰ هزار نفر جمعیت میباشد واقع شده و (اسکاف کالج) نام دارد. شهر کوئته از شهرهای ییلاقی پاکستان است که جمعیت آن بواسطه همین امر در تابستان زیاد میشود و در اثر ورود مردم بدان شهر جمعیتش رو بفرزونی می گذارد و بیش از ۷ برابر ایام عادی میگردد این شهر در زمستانها فقط ۱۰۰ هزار نفر جمعیت دارد فاصله کوئته تا کراچی مرکز پاکستان ۵۵۰ میل (۱۳۰ فرسنگ) و تا میرجاوه سرحد ایران ۴۰۰ میل (۱۰۰ فرسنگ) میباشد البته این فاصله ایست که باراه آهن طی شود.

(لاهور شهر لاله و گل)

شهر زیبای لاهور مرکز ایالت پنجاب در لاله و گل فرو رفته و بوی معطر گلپای رنگارنگ شهر زیبای لاهور عروس شهرهای پاکستان لطف و صفای خاصی می بخشد.

باغهای پر گل و سنبل و عمارتهای قشنگ و ابنیه های معروف باستانی و خلاصه سینماها ، دانشکده ها ، بیمارستانها ، موزه ها ، کلوپها ، پارکها با اهمیت این شهر بقدری افزوده است که امروزه از بزرگترین شهرهای پاکستان بشمار میرود. از بنا های تاریخی آن یکی باغ شاه دره کاخ ملکه نورجهان زوجه جهانگیر شاه و دیگری شالامار باغ است که کاخ سلاطین هند میباشد و اولی در ۶ کیلومتری و دومی در ۹ کیلومتری لاهور قرار گرفته است عشق ملکه نورجهان و جهانگیر شاه که بنام شاه جهان نامیده قصری در لاهور بوجود آورد که امروز پس از چندین قرن زیارتگاه

مشتاقان است و عشق و علاقه این زن و شوهر نسبت بهم تا پایان عمر بقدری متین و استوار بود که لحظه بدون هم نمیتوانستند بسر برند باغ شالامار یا شالامار باغ لاهور یکی از بهترین و زیباترین بناهای تاریخی پاکستان است که توسط سلاطین گذشته هند ایجاد شده و در حسن و ظرافت در تمام جهان بی نظیر است این باغ دارای استخر بزرگ و وسیعی است که در وسط آن تعداد زیادی فواره بفاصله



يك دختر پاکستانی در لباس عروسی

های معین گذارده شده و کاخ زیبایی از سنگ مرمر سفید مشرف بر این استخر قرار گرفته است. در جلوی این کاخ تختی دیده میشود که محل جلوس سلاطین مغول بوده است هنگامی که پادشاهان مغول در این کاخ بعیش و عشرت می برداختند و یا جشنی برپا می ساختند مطربان و رامشگران در وسط دریاچه بنوازش مشغول می شدند

ورقاصان در مقابل شاه هنر نمائی میکردند. در شهر لاهور غیر از این باغ تاریخی باغ بزرگ و پراهمیت دیگری بنام باغ محمدعلی جناح وجود دارد که سراسر آن مستور از انواع و اقسام گلهای معطر و زیبا است. وسعت این باغ بقدری زیاد است که فقط گوشه از آن اختصاص بمسابقات فوتبال، باسکت بال، تنیس، دوچرخه سواری و اسب سواری داده شده است. کلوپ منظم و مرتبی که بنام کلوپ لاهور در این باغ قرار گرفته مخصوص محترمین و رجال شهر است.

پس از لاهور مهمترین شهر پنجاب شهر نظامی راول پندی است که محل استقرار پادگان و ارتش پاکستان است شهر سیصد هزار نفری راول پندی برعکس نقاط دیگر پاکستان بیش از ۲ سوم مردمش با سواد می باشند و بهمین جهت باید گفت که سطح فرهنگ در این شهر از نقاط دیگر پاکستان بالاتر است. راول پندی دارای یکی از مهمانخانه های مهم و درجه اول جهان میباشد که بنام (فلاشمن- هتل) نامیده میشود و اسلوب ساختمانی آن نیز بشکل یکی از بهترین مهمانخانه های عالی اروپا ساخته شده است. باغ وسیع و روح پرور این مهمانخانه بهشتی است پر از لاله و گل که در روی زمین ایجاد شده و انسان را مسحور لطف و طراوت خود میسازد. شهر زیبای (ماری) که در شمال راول پندی و در فاصله این شهر به کشمیر قرار گرفته است از ییلاقات مشهور پاکستان است که دارای عمارات زیبای ییلاقی و ساختمانی مدرن و بسیار شیک می باشد شهر ماری دارای آب و هوایی بس مطبوع و جنگل های انبوه و کوهستانی سبز و خرم است و آب لوله کشی و برق دائم و سایر وسایل و لوازم زندگی بطوری در این شهر مهیا گردیده که کوچک ترین نقصی در آن وجود ندارد.

بهاولپور یا کشور هزار و یکشب

اگر آنچه از داستانهای هزار و یکشب تاکنون شنیده اید

در نظر مجسم کنید و وضع حاضر استان بهاولپور واقع در مشرق پاکستان غربی را نیز بخاطر بهاولپور بدست به ارتباط این دو موضوع باهم پی خواهید برد بهاولپور یکی از استانهای بسیار گرم و سوزان پاکستان است که از این حیث شباهت تامی با هوای عراق عرب دارد. قصر امیر این کشور که مانند قصر مرموز پادشاهان کشور هزار و یکشب ساخته شده نور محل نام دارد و از بناهای زیبا و عالی پاکستان است در داخل این کاخ پرده های زربفت و اشیاء و اجناس نفیس و خیره کننده بقدری بچشم میخورد که در شکوه و جلال هرگز کاخهای افسانه سلاطین قدیم مشرق زمین پهای آن نمیرسد مرکز این کشور دو میلیون نفری شهری است بنام (بغداد الجدید) که حقیقتاً این اسم برای شهر نام با مسمی ایست زیرا شما در این شهر و سایر شهرهای بهاولپور مردمی می بینید که از شکل و قیافه و طرز لباس و عادات و اخلاق کمترین فرقی با اعراب و مردم بغداد



رژه دختران و زنان پاکستانی

ندارند و بخصوص سواران نیزه دار و مسلح امیربهاولپور بقدری شبیه سواران گشتی عراقی و سعودی هستند که شما در اولین برخورد گمان میکنید در یکی از این دو کشور هستید. دولت پاکستان برای پیشرفت امور کشاورزی این استان فعالیت بسیار مینماید و هم اکنون چهارسد بزرگ، بنامهای سد چیکوت، دیرنواب، سادیگر، پنجناد در این استان ساخته شده که تمام آنها مطابق آخرین اسلوب فن سد سازی دنیا می باشد و بخصوص سد پنجناد از لحاظ عظمت و اهمیت شهرت بسزائی دارد و امید می رود با برنامه های جامعی که دولت پاکستان در زمینه عمران و آبادی و پیشرفت فرهنگ و صنعت و بهداشت آن کشور در دست دارد قدمهای بلندی روز بروز برای ترقی و تعالی این کشور برداشته شود. امروز دولت پاکستان بخوبی میداند که جهت بکار انداختن کارخانجات و استفاده از دستگاه های موتورخانه در آن کشور احتیاج مبرمی بنفت و ذغال دارد و خوشبختانه این هر دو در نهایت وفور در کشور ما یافت می شود و با شرایط سهل و ساده و بهای مناسب دولت پاکستان می تواند از نفت و ذغال ایران برای توسعه و ترقی صنایع ماشینی خود حد اکثر استفاده را بنماید و چون موقعیت جغرافیائی پاکستان طوری است که از هر لحاظ مواد نفتی برای آن کشور در درجه اول اهمیت قرار دارد لذا این دولت جوان و مترقی میتواند با نفت و ذغال ایران چرخهای ماشینهای اقتصادی و جنگی خود را بکار اندازد و باین امر شالوده یک پاکستان قوی و نیرومند ریخته گردد.

ما خواهان ترقی و عظمت ملت بزرگ پاکستانیم و برای این کشور آتیه روشن و درخشان را پیش بینی میکنیم. مامی دانیم که امروز دولت پاکستان هنوز با موانع و مشکلاتی روبرو است و زعماء و ادارہ کنندگان این کشور برای از بین بردن این نوع موانع دقیقه از پای نمی ایستند ولی با وجود این بقدری پاکستان فردائی که پرازشادی و امید است بفال نیک می نگریم.

باشد روزیکه این رویای شیرین و خوابهای طلائی جامه عمل پوشند و کشوری عاری از هر قید و بند، افتخارات تاریخ درخشان گذاشته خود را تجدید کند. آنروز نزدیک است و پاکستان روز بروز رو بفعالیت و خوشبختی است و این ملت بزرگ زاهی را



فان رسو مانیات سفیمة شرفیة و لیا اذ اتحد رسو مانیات
 رصفت رلیمة يك دختر زیباي کشمیری در لباس محلی، لب آسفیة
 در پیش گرفته است که ملت های بزرگ و مترقی پیوده اند.
 ملت ایران خواستار ترقی و عظمت ملت پاکستان است

و امیدوار است مسئله کشمیر که اکنون کشمکش بین آنها و هند ایجاد کرده است بنحو مطلوب و حقانیت پاکستان خاتمه پذیرد و این خاک زرخیز و بهشت آسا که متاعش دختران مهوش و گلرخان طناز سیاه چشم و ابرو است در صلح و آرامش باقی بماند.

یک راز و حقیقت

از جنایات بشو

قصابی آدمیزاد را مانند گوسفند می کشت و رستورانی گوشت آنرا بخورد مردم میداد.

مدتها بود که مشتریان یکی از رستورانهای شهر کازابلانکا واقع در شمال مراکش طعم اغذیه را که در این رستوران میخوردند طور دیگر غیر از مزه غذاهائیکه با گوشت گوسفند یا گاو تهیه میشود حس میکردند ولی در این باره سوء ظنی نسبت به مدیر رستوران نمیبردند تا اینکه یک روز یکی از مشتریان در موقع خوردن (راگو) ملاحظه کرد که اولاً شکل گوشت با گوشت معمولی فرق دارد. ثانیاً مزه مخصوصی دارد که بهیچوجه شبیه بگوشت معمولی نیست لذا سوء ظنش تحریک شد و گوشت را با دانه پلیس برد و در آنجا آنرا از نظر طبی معاینه کرد و با کمال تعجب مشاهده شد که گوشت مذکور گوشت انسان است.

لذا فوراً مدیر رستوران و قصاب و شاگرد قصابی که این جنایت موحش بدست آنها انجام میگرفت توقیف شدند و پس از توقیف آنها معلوم شد که تمام گوشتهای موجود در قصابی شخص نامبرده گوشت انسان بوده و مدت چندین هفته است که این اشخاص دست باین عمل غیر انسانی زده اند.

نامه دکتر مصدق بمجلس شورای ملی دکتر مصدق فساد انتخابات دوره هفدهم

را تصدیق میکند

در روز ۲۱ و ۲۲ و ۳۱ دکتر محمد مصدق نخست وزیر نامه بمجلس شورای ملی نوشت که در آن ضمن اشاره بفساد انتخابات دوره هفدهم تقاضا کرده بود که باعتبار نامه های مخدوش نمایندگان رأی اعتماد ندهند اینک عین نامه در زیر بنظر شما میرسد:

مجلس شورای ملی

از روزی که مجلسین شورای ملی و سنا تشکیل دولت را بعهدہ اینجانب محول فرموده اند برای اینکه افکار عمومی پشتیبان دولت باشد چندبار درخواست رأی اعتماد نمود و چنانچه افکار عمومی با عملیات دولت موافق نباشد رأی تمایل بکسی داده شود که مردم از آن پشتیبانی کنند و قبل از اینکه رأی اعتماد اخیر درخواست شود اینجانب حاضر نبود که با قانون فعلی متصدی انتخابات هفدهم تقنینیه شود ولی چون آرزوی بیگانگان این بود که یک فترت طولانی پیش آید تا بتوانند روی اعمال دولت خط بطلان بکشند از کار کنار نرفته با نهایت افتخار بوظایف خود عمل نمود و با همین قانون ناقص شروع بانتخابات کرد و اینطور تصور میشد اگر مأمورین مؤثر در انتخابات هر حوزه بقید قرعه تعیین شوند از دخالتهای نامشروع جلوگیری خواهد شد ولی متأسفانه باید بعرض برساند که دولت با نهایت جدیتی که بخرج داد آنطوری که انتظار داشت توفیق حاصل نکرد و دلایل عدم موفقیت ذیلا بعرض میرسد:

۱ - عده ای از مأمورین که با قید قرعه معین شده بودند

توانستند از عادات دیرینه خود صرفنظر کنند و از تجاوز بحقوق عمومی خودداری نمایند.

۲ - در ادوار گذشته انجمن های نظارت نمیتوانستند بر خلاف نظریات دولت تصمیمی اتخاذ کنند و آنها روی این اصل انتخاب میشدند که با انتخاب اشخاصیکه دولت موافق بوده موافقت کنند ولی در این دوره که انجمنها آزادی عمل داشتند در بعضی از نقاط که احتیاج بذکر آنها نیست زیرا همگی از آن مطلع هستند از اختیارات ماده (۱۷) قانون انتخابات سوءاستفاده نموده و تصمیماتی برخلاف حق گرفته اند مثلا بجای اینکه آراء مشکوک را باطل کنند صندوقهایی که دارای هزار رأی بوده ابطال کرده و حق مردم را تضییع کرده اند.

۳ - اعمال نفوذ بعضی اشخاص سبب شد که انجمن های نظارت نتوانند بوظایف خود عمل کنند. نتیجه تفرقاتی که بعرض رسید این شد که اشخاصی عنوان نمایندگی بخود بستند که یا معروفیت محلی نداشتند و هیچکس بهیچ عنوانی نمیتواند آنها را بحوزه ای که مدعی نمایندگی آن هستند ارتباط دهد و یا دارای چنان سوابقی هستند که مردم نه فقط راضی بنمایندگی آنها نیستند بلکه از شنیدن نام آنها هم تفر دارند. دولت با قانون قلمی نمیتوانست از اعمال خلاف قانون جلوگیری کند زیرا بر طبق ماده (۱۷) فقط انجمنهای نظارت هر حوزه انتخابیه در تحت نظارت حاکم محل متصدی و مسئول صحت جریان انتخابات آن حوزه میباشد و پس از تشکیل انجمن هم دولت بهیچوجه نمیتواند در کار آنها دخالت کند و فقط (در موردی که فقط اسباب تعطیل و یا تعویق جریان انتخابات واقع گردند) میتواند آنها را منحل نماید لذا همانطوریکه بعرض رسید دولت نتوانست از تجاوزات متخلفینی که بآنها اشاره شد جلوگیری کند و در نتیجه انتخابات بعضی از حوزه ها بصورتی درآمده که مورد اعتراض شدید مردمست.

اکنون که مملکت از خطر فترت نجات یافته و مقدرات کشور بدست اکثریت بزرگی از نمایندگان حقیقی ملت سپرده شده مجلس بخوبی میتواند روی انتخابات مخدوش خط بطلان بکشد و اشخاصی که نماینده حقیقی مردم نیستند و برخلاف حق در بین نمایندگان وارد کرده اند رد کند.

تأثیر این اقدام خداپسندانه مجلس فقط باین منحصر نیست که چندتن از اشخاصی که نام نمایندگی روی آنها گذارده شده از صف نمایندگان حقیقی خارج شوند بلکه اثر مهم آن در حسن جریان بقیه انتخابات خواهد بود چه در بسیاری از نقاط یا انتخابات شروع نشده و یا اگر شروع شده ناتمامست و اگر مجلس شورای ملی که در محکمه نهائی رسیدگی بشکایات است پرونده های مورد اعتراض را بدقت مورد توجه قرار دهد و غاصبین حقوق عمومی را طرد نماید دیگران حساب کار خود را خواهند و از اعمال نفوذ نامشروع و تشبثات بیحد و حصر خود داری خواهند نمود و در غیر این صورت بهیچوجه نباید انتظار داشت که بقیه انتخابات بنفع مردم تمام شود و مجلس هفدهم که وظایف سنگینی را عهده دار است میتواند جلب اعتماد مردم را نموده و خود را نماینده حقیقی ملت ایران بدینا معرفی کند.

بنابر این مقدمات و وظیفه خود دانستم خاطر نمایندگان حقیقی ملت را بنکات مزبوره توجه دهم و از آنها در احقاق حق ملت ایران استمداد نمایم. امیدوارم نمایندگان مجلس هفدهم از همین ابتدای کار شهامت و شجاعت و حق پرستی خود را نشان دهند و قریباً بهمت و کاردانی آنها اصلاحاتی که مورد نظر ملت ایرانست از جمله اصلاح قانون انتخابات بعمل آمده و نام نیکی در تاریخ مشروطیت ایران از خود بیادگار گذارند.

دکتر محمد مصدق

کشتی رزماری چگونه توقیف شد ؟ یک صحنه خنده دار از توقیف کشتی رزماری و حکم دادگاه مستعمراتی عدن

بالاخره کشتی نفتکش رزماری که اینقدر مطبوعات و مقامات انگلیسی درباره آن بحث میکردند در روز سه شنبه ۲۷ خرداد با بآبهای عدن وارد شد و در شب جمعه ۳۰ خرداد توسط دادگاه مستعمراتی عدن حکم توقیف آن صادر شد و تمام مردم دنیا باین خیمه شب بازی عجیب که اداره کنندگانش مقامات سیاسی انگلیس و رؤسای شرکت سابق نفت بودند قاه قاه خندیدند انگلیسها با احوالات این صحنه کمدی گمان میکردند هنوز در قرن نوزدهم و زمان سلطنت ملکه ویکتوریا قرار دارند و یانهوز اوایل قرن بیستم است که بتوان مردم هشمار دنیای امروز را باین نیرنگ های عجیب بفریبند و با سیاست مکار و روبه صفتانه خود بازهم بتوانند نقشه های شوم استعماری خود را در سراسر عالم اجرا نمایند امروز دیگر مردم دنیا بخوبی میدانند در عدن اصلا دادگاهی بمفهوم حقیقی وجود ندارد چه رسد بآنکه بتوان روی آنهم اسم دادگاه عالی گذارد .

عدن اصولاً از مستعمرات انگلیسها است و شیخ آنجا نیز که بنام (سلطان) نامیده می شود یک نفر اجبر و دست نشاندۀ انگلیسها میباشد که مانند عروسکی بساز نوازندگان لندن میرقصد تمام شهر و بندر عدن را سربازان و قوای مستعمراتی انگلیسها در اختیار دارند و جای تعجب نیست اگر بشنوید دادگاه مذکور را چند نفر انگلیسی سودپرست و ماجراجو که بدروغ اسم خود را قاضی گذارده اند اداره میکنند .

من هر وقت نام دادگاه عالی عدن را با آب و تاب تمام از زبان یک نفر انگلیسی میشنوم بی اختیار از طریقه ادای اینجمله و ساده لوحی او میخندم . انگلیسها میخواستند با توقیف اولین کشتی نفت ایران بسایر خریداران نفت گوشزد نمایند که اگر آنها هم اقدام بخریدن نفت ایران نمایند محمولات نفتی آنها بسر نوشت کشتی رزماری دوچار خواهد شد ولی این فکر را نمیکردند که مردم دنیا بدانند اصولاً خرید و توقیف نفت بوسیله خود انگلیسها انجام گرفته است . شرکت سابق نفت برای مرعوب کردن سایر خریداران مواد نفتی ایران بادست یکی از شرکت های دست نشانده سابق خود اقدام بخرید مقدار از مواد نفتی ایران کرد و سپس قضیه را بقدری بزرگ کرد و در اطراف آن جار و جنجال راه انداخت تا درست افکار مردم دنیا را متوجه این امر نموده و در آخر سر بتوقیف کشتی مزبور اقدام نماید ولی بازهم نمیدانستند که افکار عمومی دنیا بیشتر متوجه این است که چرا کشتی رزماری بجای ادامه دادن بخط سیر طبیعی خود بدون دلیل و ضرورت بسمت بندر عدن پیچید و در آنجا راهنمایان اصلی کشتی محتوی محمولات نفت ایران را در اختیار پلیس مسلح انگلیسی گذاردند .

انگلیسها از سیاست کودتاه خود نتیجه که می خواستند نگرفتند و برعکس عکس العمل این موضوع بقدری دردناک شدت یافت که حتی امریکائیهام که از دوستان نزدیک آنها بودند باین عمل انگلیسها سخت اعتراض کردند و در دادگاه لاهه نیز اثرات بدی از این رفتار غیر عادلانه انگلیسها برجای ماند .

« از بهار »

در طواف شمع میگفت این سخن پروانه ای
سوختم زین آشنایان ای خوشا بیگانه ای
بلبل از عشق گل و پروانه از سو دای شمع
هر کسی سوزد بشوعی در غم جانانه ای

بیان شاعره ناکام پروین اعتصامی



اینکه خاک سببش بالین است
 اختر چرخ ادب پروین است
 گر چه جز تلخی ایام ندید
 هر چه خواهی سخنش شیرین است
 صاحب آنهمه گفتار امروز
 سائل فاتحه و یاسین است
 (از پروین اعتصامی)

بافراسیدن بهار سال ۱۳۳۲ سیزده بهار است که پروین اعتصامی شاعره حساس و رقیق القلب ایران بزیر خاکهای گران خفته است. درست نیمه شب یکی از شبهای فروردین سال ۱۳۲۰ بود که دیدگان پروین برای همیشه از دیدن صحنه های اسفناک و رقت انگیز زندگی که بسختی روح زودرنج او را می آزرده آرام گرفت و سر بزر توده های سرد خاک فرو برد.

بانو پروین اعتصامی فرزند آقای یوسف اعتصامی (اعتصام الملك) یکی از مفاخر شعرای ایران است که با سرودن اشعار زیبا و نمکین خود ارزش شعر و ادب را دوچندان کرده است اشعار پروین بقدری شیرین و دلچسب است که در همان مرحله اول هر خواننده را شیفته و بیقرار خود میسازد. کدام روحی است که تحت تأثیر اشعار شیوا و دلنشین پروین قرار نگیرد و چه کسی است که با خواندن قطعات تیره بخت، بی پدر، طفل یتیم، قلب مجروح بروح رئوف و مهربان شاعره ناکام پی نبرده باشد؟

چه قلبی است که از اثر اشعار جاویدان و پرسوز و گداز، شاهد و شمع، نغمه خوشه چین، گوهر اشک، فریاد حسرت، خون دل، تهی دست، ملتهب و لرزان نشده باشد. هر سطری از اشعارش نمونه از روح حساس و مهربان اوست و شما ممکن نیست

که قطعه از آثار او را بخوانید و بحس ترجم و نوع پرستی و مهر مادری و عزت نفس وی پی نبرید. زبان گویای پروین اگر چه امروز خاموش است ولی اشعار و آثار زیبا و جاویدان او هرگز محو و فراموش نخواهد شد و مزار پروین برای همیشه زیارتگاه ارباب علم و ادب خواهد بود.

از شاعره ناکام پروین اعتصامی

قلب مجروح

دی کودکی بدامن مادر گریست زار
 کز کودکان گوی بمن کس نظر نداشت
 طفلی مرا ز پهلوی خود بی گناه راند
 آن تیر طعنه زخم کم از بیشتر نداشت
 اطفال را بصحبت من از چه میل نیست
 کودک مگر نبود کسی کو پدر نداشت
 امروز اوستاد بدرسم نگه نکرد
 مانا که رنج و سعی فقیران ثمر نداشت
 دیروز در میانه بازی ز کودکان
 آن شاه شد که جامه خلقان ببر نداشت
 من در خیال موزه بسی اشک ریختم
 این اشک و آرزو ز چه هرگز اثر نداشت
 جز من میان این گل و باران کسی نبود
 کو موزه ای پیا و کلاهی بسر نداشت
 آخر تفاوت من و طفلان شهر چیست
 آئین کودکی زه و رسم دگر نداشت
 هرگز درون مطبخ ما هیزمی نسوخت
 وین شمع روشنائی ازین بیشتر نداشت

همسایگان ما بره و مرغ می خورند
 کس جز من و تو قوت زخون جگر نداشت
 بر وصله های پیره نم خنده می کنند
 دینار و درهمی پدر من مگر نداشت
 خندید و گفت آنکه بفقر تو طعنه زد
 از دانه های گوهر اشکت خبر نداشت
 از زندگانی پدر خود مپرس از آنک
 چیزی بغیر تیشه و داس و تبر نداشت
 این بوربای کهنه بصد خون دل خرید
 رخس که آستین و گهی آستر نداشت
 بس رنج برد و کس نشمردش بهیچکس
 گمنام زیست آنکه ده وسیم وزر نداشت
 طفل فقیر را هوس و آرزو خطاست
 شاخی که از تگرگ نگون گشت بر نداشت
 نساج روزگار در این پهن بارگاه
 از بهر ما قماشی از این خوبتر نداشت

افزایش جمعیت کره زمین

طبق آمار اداره سازمان ملل هر روز هفتاد و پنج هزار نفر بر جمعیت جهان افزوده می شود و اگر جمعیت کره بدین طریق هر روز زیاد شود تا صد سال دیگر جمعیت کره زمین سه برابر جمعیت فعلی خواهد شد. هر چه بر جمعیت کره زمین افزوده میشود بر عده بیکاران و گرسنگان نیز افزوده خواهد شد. آمار صخیح نشان می دهد که هر ساله قریب ۲۸ میلیون نفر بر جمعیت کره افزوده می گردد. یعنی باندازه جمعیت یک کشور بزرگ مثل مکزیک و سه برابر جمعیت بزرگترین شهرهای جهان یعنی نیویورک در اینصورت حدس خواهید زد که صد سال یادوست سال دیگر چه هیاهو و غوغائی در جهان بر پا خواهد شد.

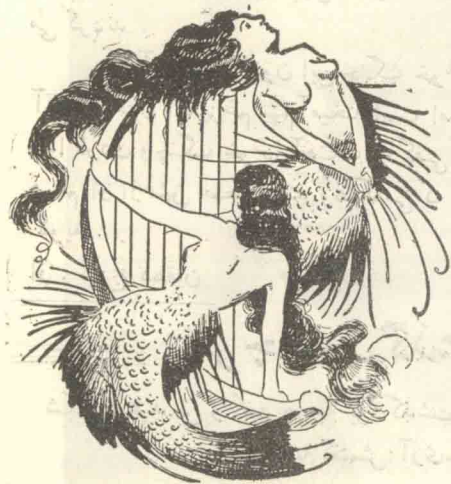
ترجمه آقای م - مفتاح

از اشعار توماس مور

این چنگ زیبا

دختری بوده است فشان و آشو بگر

که آهنگ شیرین صدای او ملاحان را گمراه می کرده است



این چنگی را که
 اکنون برای تو
 مینوازم گویند در
 روزگار قدیم
 دختری بوده برنده
 آسا که در اعماق
 دریا های ژرف
 سرایندگی می کرده
 است و ملاحان از
 شنیدن آهنگ
 شیرین صدای او
 شیفته و گمراه
 می شده اند.

هر روز هنگام غروب، آن دختر زیبا در میان آبهای درخشان بهر طرف روان میشد تا مگر در سواحل سبز و خرم دریا، جوانی را که دوست میداشت دیدار کند. اما محبت او بمعبودش بیهوده بود زیرا جوان، وی را ترک نموده، بعشقش وقعی نمی نهاد. رهایش کرده بود تا بر سر آنها زار بگرید!

چه بسا شبها که از شدت زاری، گیسوان زیبای طلائی او باشک آغشته میشد. آنقدر در فراق جوان بتلخی گریست

و گریست تا آنچه خداوند بعشق حقیقی و سوزان او معطوف گشته بروی رحمت آورد و هیکل قشنگش را بشکل این چنگ زیبا در آورد .

زیباییهای دریائی او کالبد و استخوان بندی مناسبی برایش تشکیل داد . اندامش قشنگتر شد و گونه هایش پیش از پیش با طراوت و خندان گردید .

گیسوان طلائی او که پریشان روی بازوان سفیدش میریخت بسیم های درخشنده ای مبدل گشت که نعمات سحر انگیزی ادا می کردند .

از آنوقت تا کنون این چنگ خوش صدا نغمه عشق را با آهنگ حزن انگیز غم بهم آمیخته است اما تو آن نغمه هارا از هم جدا کردی و چنگ خوش آهنگ را گفتی آندم که من در کنار ت هستم او از عشق صحبت کند و هنگامی که از تو دورم سخن از غم گوید . . .

از : ایرج دهقان

هر چه بود گذشت

شکست عهد من و گفت هر چه بود گذشت

بگریه گفتمش: آری، ولی چه زود گذشت!

بهار بود و تو بودی و عشق بود و امید

بهار رفت و تو رفتی و هر چه بود گذشت

شب بی بومر گرم خوش گذشت، آنشب بود

که در کنار تو با نغمه و سرود گذشت

چه خاطرات خوشی در دلم بجای گذاشت

شب بی که با تو مرا در کنار رود گذشت

غمین مباش و میندیش از این سفر که ترا

اگر چه بر دل نازک غمی فرود گذشت

ارزش فیلم از لحاظ هنر

ستارگان مشهور جهان و استودیوهای بزرگ

چند سال پیش برای اولین بار در ایران فیلمی بنام (طوفان زندگی)



(شهبلا) ستاره مشهور فیلم های ایرانی

توسط استودیو میترا فیلم در تهران تهیه شد که از طرف مردم با آغوش باز استقبال گشت و جنب و جوش عجیبی در محافل سینمایی پایتخت و دوستداران سینما برپا کرد.

اولین فیلم استودیو میترا فیلم با اینکه دارای نقایص بیشمار و معایب بسیار صنعت فیلم برداری بود معیناً از اینکه اولین فیلمی بود که توسط يك استودیو ایرانی و بدست هنرمندان و هنرپیشگان ایرانی در داخله کشور تهیه گردیده بود بسیار شایان اهمیت و درخور تقدیر است پس از نمایش اولین فیلم محصول این کارخانه و تشویق و استقبال مردم از آن بلافاصله عده زیادی ب فکر تأسیس استودیوهای مختلف افتادند و هر کس کمترین وسیله در اینکار داشت بدون در نظر گرفتن جنبه هنری فیلم و وسایل لازمه و داشتن هنر پیشگان آزموده تهیه فیلم ناقص و دلخواه خود پرداخت و از آنوقت بود که محصولات استودیوهای مختلف ایران یکی پس از دیگری بروی پرده سینما ظاهر گشت ضمناً نباید از نظر دور داشت که اشخاصی چون آقای دکتر اسمعیل کوشان که دارای اطلاعات و تجربیات وسیعی در اینرشته میباشند و در کمپانی های مهم فیلم برداری آلمان و وین سالها به مطالعه و تحصیل پرداخته اند کمکهای قابل تقدیری به پیشرفت صنعت فیلم برداری در ایران کرده اند. امروز استودیو (پارس فیلم) که زیر نظر ایشان اداره می شود از لحاظ صنعت فیلم برداری و داشتن وسایل لازمه در ایران در درجه اول قرار گرفته و حتی از این حیث از بعضی شرکت های فیلم برداری آسیائی گوی سبقت را ربوده است و محصولات این استودیو از لحاظ صنعت (نه از جنبه هنر) بسیار قابل توجه است.

بعضی از مدیران استودیوهای فیلم برداری در ایران در موقع انتخاب سوژه و موضوع فیلم تمعداً چیزهایی را بر میگزینند که منافی اخلاق و باعث ایجاد تشنج و ناراحتی در روحیه جوانان است.

مدیران اینگونه استودیوها بجای اینکه بکوشند محصولات خود را از لحاظ هنری روز بروز بهتر و عالی تر نمایند تهیه فیلم هایی اقدام میکنند که در روح جوانان ما اثراتی جز یأس و ناامیدی و موهوم پرستی چیز دیگری بجای نمی گذارند. درست است که ما در کشور هزار و یکشب زندگی میکنیم و تاریخ گذشته کشور ما نیز در تمام موارد صحنه های غم انگیز و حسرت باری از حوادث



محصول سال ۱۳۳۱ استودیو عصر طلایی

عشق و عاشقی نشان میدهد ولی اینرا هم باید در نظر داشت که ما اکنون در قرن بیستم زندگی میکنیم و دیگر تکرار ماجرای زندگی عاشقانه لیلی و مجنون - شیرین و فرهاد - برای ما دیگر معنی و مفهومی ندارد و فیلم های تهیه شده در استودیوهای کشور ما نیز نباید در اطراف این موهومات دور بزنند. مدیران استودیو های فیلم برداری ایران باید در درجه اول تهیه فیلم های هنری

که مناسب با موقعیت امروز کشورها باشد اقامه نموده و بجای تأسیس استودیوهای کوچک و بدون وسایل برای ایجاد يك استودیوی بزرگ و آبرومند که از هر حیث غنی و مرتب باشد اقدام نمایند و سرمایه های کوچک خود را بجای حیف و میل کردن در استودیو های ناقص در این شرکت بزرگ بکار بیندازند تا بدین وسیله بتوان با ایجاد آموزشگاه عالی هنرپیشگی و تربیت هنرپیشه و خرید دستگاههای مجهز و کامل فیلم برداری و تهیه زمین وسیع برای محل استودیو در راه ترقی این صنعت در ایران گامهای بزرگی برداشت و از طرفی دوستان و عاشقان پیشمار و پابرجائی برای فیلم های ایران در خارج از کشور بدست آورد.

در این چند ساله که صنعت فیلم برداری در ایران رواج یافته است استودیو های مختلفی بنامهای استودیو میترا فیلم ، استودیو ایران فیلم ، استودیو عمر خیام ، استودیو پارس فیلم ، استودیو عصر طلایی ، استودیو شهریار ، استودیو جهان فیلم ، استودیو دیانافیلیم ، استودیو داریوش فیلم در تهران شروع بکار نموده و اغلب آنها تا کنون بیش از ۷ یا ۸ پارتی فیلم از کارخانه خود بیرون داده اند ولی فیلم بعضی از آنها هنوز بروی پرده سینما نیامده است.

استودیو دیانا فیلم اولین فیلم خود را بنام (گل نسا) که يك فیلم بتمام معنی روستائی است تمام کرده و بزودی بیازار خواهد فرستاد و استودیو های عمر خیام و شهریار بترتیب تهیه کننده فیلم های (جدال با شیطان) و (میهن پرست) میباشد . فیلم درام موزیکال و لگرده که برای تهیه آن ۶ ماه وقت صرف شده است محصول استودیو (ایران فیلم) میباشد که از اوایل دیماه ۱۳۳۱ برای اولین بار در سینمای هما (در تهران) بمعرض نمایش گذارده شد و با استقبال عجیبی از طرف مردم تهران روبرو گشت در هفته های اول نمایش این فیلم در اثر ازدحام خارج از

اندازه مردم بدست آوردن بلیط آن کار آسانی نبود .
استودیو عصر طلایی با تهیه فیلم های (مشهدی عباد) و (دختر چوپان) شهرت بسزائی در زمینه هنر فیلم بدست آورد گو اینکه هنوز فیلم دختر چوپان بیازار نیامده است ولی ما خوانندگان سالنامه زیبای ایران نو و دوستان و دوستان را جهت قضاوت در باره فیلم های این استودیو بدیدن فیلم مشهدی عباد که قریباً



صحنه زیبائی از رقص ملی (خوقتا) توسط نمایندگان دانشجویان اسپانیائی

در سینماهای تهران بمعرض نمایش گذارده خواهد شد دعوت میکنیم شهلا و مجید محسنی هنرپیشگان معروف ایران در اغلب فیلم های تهیه شده در این استودیو رلهای مهمی بعهده دارند . و غیر از استودیوی عصر طلایی شهلا در فیلم های محصول استودیو

های جهان فیلم ، پارس فیلم و شرق نیز بازی کرده است. شهلا هنرمند جوانی است که از سال ۱۳۲۳ وارد هنر تأثر شده و اکنون دارای یکده خنثر و یک پسر بنامهای پریچهر و منوچهر بسن ۹ و ۶ میباشد. اولین فیلمی که این هنر پیشه در آن بازی کرد فیلم خوابهای طلایی بود.

بانودلکش خواننده محبوب رادیو تهران نیز از کسانی است که در فیلمهای (شرمسار) و (مادر) محصول استودیو پارس فیلم رلهای اول را بعهد داشته و در فیلم دومی در ایفای رل مادر موفقیت بزرگی بدست آورده است. این فیلم یکی از شاهکارهای تربیتی پارس فیلم است و امید میرود که مدیران و گردانندگان استودیوهای دیگر نیز دست تهیه فیلم هایی بزنند که در بهبود وضع زندگی ملت ما بخصوص در وضع مادران ایران و مردم روستاها و عشایر ایران مؤثر و مفید واقع شود و این نکته را نباید از نظر دور داشت که تهیه یک فیلم خوب و مردم پسند یک استودیوی بزرگ و مناسب یک رژیسور مطلع و با تجربه و یک سناریست هنردوست و روان شناس و چند نفر فیلمبردار و گریمر آرموده میخواهد.

نظری به هنر پیشگان و استودیوهای خارجی

هولیوود مرکز تهیه و بخش فیلم های هنر هنری است. بمجرد اینکه نامی از فیلم و سینما میان می آید انسان بیاد هولیوود شهر بزرگ سینمایی امریکا میافتد که امروز بواسطه کثرت تهیه فیلم در تمام کشورهای جهان مشهور گشته و محصول استودیوهای آن مرتب بکشور های جهان سرازیر میشود ولی این نکته را نباید از نظر دور داشت که در شهر هولیوود تهیه میگردد فاقد ارزش هنری می باشد و فقط جنبه مالی آن مورد توجه مدیران استودیوهای مختلف آنجا است و این خود باعث تأسف است که بزرگترین استودیوهای فیلم برداری جهان بجای تهیه فیلم های تربیتی و هنری محصولاتتی از کارخانجات خود بیرون میدهند که

سراسر آن پر است اذزدزی ، جنایت ، آدمکشی . درست است که فیلم های امریکائی از لحاظ صنعت در درجه اول اهمیت قرار دارند ولی از لحاظ هنر بکلی فاقد ارزش می باشند و این خود بزرگترین



یک صحنه از بال (رومئو و ژولیت)

شکست هنر در صنعت سینمایی امریکا است. در شهر هولیوود سالیانه در حدود ده دوازده فیلم شرقی

توسط کمپانی های بزرگ فیلم برداری آنجا تهیه می گردد و چون امریکائی ها شوق و علاقه مردم را بدیدن این گونه فیلم ها حس کرده اند هر ساله بر تعداد فیلم های شرقی خود میافزایند. اولین فیلم شرقی که در شهر هالیوود تهیه شد فیلمی بنام (رقص فاطمه) بود که در سال ۱۹۰۰ میلادی بمعرض نمایش گذارده شد و چون رقصه آن با بدن لخت بروی پرده سینما ظاهر میگشت اداره سانسور امریکا جهت نمایش این فیلم شرابیطی بکمپانی تهیه کننده آن پیشنهاد کرد و چون این فیلم با استقبال عمومی مردم امریکا و مردم سایر کشور های جهان روبروگشت کمپانی های دیگر فیلم برداری آنجا بفکر تهیه فیلم های شرقی افتادند و از آنسال مرتب فیلم های شرقی بی بازار های جهان فرستاده شد. تهیه این گونه فیلم ها با اینکه مخارج گزافی جهت کمپانی های فیلم برداری هالیوود ایجاب میکند ولی در آمد آنرا نیز نباید از نظر دور داشت. کمپانی مترو گلدوین مایر اخیراً برای تهیه فیلم تمام رنگی (کنج های حضرت سلیمان) که با محظوریات عجیبی در قاره افریقا برداشته شده ۳ سال زحمت کشید و مخارج بسیار زیادی روی تهیه این فیلم گذارد تا بالاخره توانست مجموعه از مناظر عجیب و دهشتناک آن قاره ورقص بومیان و حمله حیوانات وحشی و آدمخوار افریقا تهیه نماید. ضمناً فیلم های شرقی مشهوری که تا کنون از استودیوهای هالیوود بیرون آمده است فیلم های شب های عرب، علی بابا و چهل دزد، پسر علی بابا توسط کمپانی یونیورسال و فیلم های هزار و یکشب، قالیچه جادو، دختر حرم محصول کمپانی کلمبیا و همچنین فیلم رنگی داود و ملکه صبا محصول کارخانه فیلم برداری فوکس است در استودیو های فیلم برداری ایتالیا و مصر نیز همه ساله فیلم هایی تهیه و بی بازار های جهان فرستاده می شود که با فعالیت و بیشتکار عجیب مدیران آنها آتیه درخشانی را جهت فیلم های هنری ایندو کشور پیش بینی میتوان کرد ولی

محصولات فیلم هیچ استودیوئی از لحاظ هنری بی پایه فیلم های تهیه شده در استودیوهای کشور شوروی و رومانی و آلمان نمیرسد.

فیلم های هنری در کشور شوروی

در کشور شوروی فیلم هایی که تهیه می شود بیش از همه چیز بجنبه هنری آن اهمیت می دهند و جنبه مالی آنرا پس از جنبه هنری در نظر می گیرند. و علت این امر نیز این است که دولت شوروی بتأمین فیلم در روحیه افراد و جوانان شوروی و همچنین



سیلوانا مانگانز (در فیلم برنج تلخ) محصول لوکس فیلم ایتالیا

مردم سایر کشورها بخوبی پی برده است و هیچگاه سوژه نیلمهای خود را از جنبه هنری و تربیتی خارج نمیسازد.

فیلم (کنسرت بزرگ) محصول ۱۹۵۱ کارخانه معروف مسفیلیم مسکو که بیاس بیست و پنجمین سال خدمات گران بهای کارکنان (بالشوی تأثر) تهیه گردیده یکی از شاهکارهای هنری

و ترییتی این استودیو است و هیچ بیننده نیست که پس از دیدن فیلم مجذوب آوازاها، آهنگها، نمایشها، بالت های این فیلم هنری نگردد و از مشاهده بالت معروف روموژولیت به پیشرفت هنر سینمایی در شوروی پی نبرد.

فیلم (سرود جوانان) نیز از محصولات سال ۱۹۵۱ همین استودیو است و در سومین فستیوال جوانان و دانشجویان در راه صلح در برلن شرقی برداشته شده است و از این فیلم صحنه های زیبایی رقصهای معروف اسپانیا بنام (خوتتا) توسط نمایندگان جمهوری خواهان اسپانیا اجرا می شود و عده از هیئت نمایندگان چین نیز رقصهای ملی تبت را شروع می نمایند.

حتی هیئت نمایندگان نيجريه افریقا هم شرکت کرده و آواز زیبایی (برداشت محصول) را می خوانند ضمناً لازم بتوضیح است که عده نفرات هیئتهای نمایندگان حاضر در این فستیوال به پانصد هزار نفر رسید که عبارت از هیئتهای نمایندگان جوانان سراسر جهان بود.

نظری نیز بفیلمهای رومانی

صنعت فیلم برداری رومانی پس از تغییر حکومت در آن کشور بسیار ترقی کرده و از لحاظ هنر نیز به پیشرفتهای شایانی نائل شده است. استودیوی فیلم برداری (بوفته آ) در نزدیکی بخارست پایتخت آن کشور که اخیراً با وسایل و تجهیزات کاملی ایجاد گردیده اکنون مشغول تهیه فیلم هائی است که از لحاظ تربیت و پرورش کودکان رومانی بسیار مفید بوده و سطح فکر مردم روستاها و دهات آن کشور را بالا خواهد برد. بزرگترین فیلم تربیتی اخیر رومانی فیلم (منزل مادرده) است که مبارزه دهقانان زحمتکش را برای ایجاد يك نگاه کشاورزی نشان میدهد و صحنه های بسیار زیبا و طبیعی این فیلم بخوبی شاهد پیشرفت صنعت فیلم برداری در رومانی است.

دولت ایران

پرویه نامناسب انگلیس و عراق در بحرین

سخت اعتراض کرد

هتن یادداشت مجدد ایران یادداشت انگلیس

شماره ۱۴۷۸ تاریخ ۱۳۳۱/۳/۱۱

یادداشت

وزارت امور خارجه شاهنشاهی تعارفات خود را بسفارت کبرای انگلیس اظهار و احتراماً اشعار می دارد که مدلول یادداشت شماره ۵۸ (۱۰۸۰۲/۲۰) مورخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۳۱ آن سفارت کبرا باعث تعجب گردید زیرا علاوه بر آنکه در تمام طول تاریخ جز اثر بحرین قسمتی از ایران بوده و میباید دولت انگلستان هم در موارد عدیده طبق اسنادی که در دست می باشد حاکمیت ایران زانست بمجمع الجزایر نامبرده شناخته و تصدیق نموده است. اینکه در یادداشت آن سفارت کبرا اشاره به پیمان های منعقد با بعضی از شیوخ و رؤسای طوائفی در خلیج فارس شده وزارت امور خارجه شاهنشاهی باردیگر خاطر نشان میسازد که دولت ایران هیچگاه هیچگونه ارزشی برای قرارداد های مورد ادعا که با اشخاص متهم و فاقده صلاحیت امضاء شده باشد قائل نبوده و نیست و اعتراف دولت انگلستان بانعقاد چنین قراردادهائی دلیل دیگر بر دخالت در امور داخلی ایران می باشد و اعتراض حقه دولت شاهنشاهی ایران در این باب بانهایت بقوت خود باقی بوده و هست.

مهر (وزارت امور خارجه)

هفتن پاسخ ایران بیادداشت عراق

آقای کاردار

احتراماً بازگشت بنامه شماره ۵۸۲ مورخه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۳۱ (اولمه ۱۹۵۲) آن جناب زحمت افزا می شود که موضوع مراسله مورخ ۱۶ اردیبهشت ۱۳۳۱ شماره ۳۷۷۸/۳۱۴ دوستدار نه موضوع قیومیت و نه موضوع سرپرستی بوده بلکه موضوع حق حاکمیت ملی و تعلق بحرین بایران که قطعه ای از قطعات ایران است بوده و می باشد و دولت متبوع دوستدار از لحاظ کمال علاقه ای که بحفظ روابط دوستی موجود بین دولت برادر و همکیش و همسایه دارد مایل بود نسبت بعواقب هر گونه جریانیه که تولید خدشه در روابط مزبور بنماید قبلاً اولیای محترم دولت عراق را متوجه سازد. دولت پادشاهی عراق از نظریات و روش دولت شاهنشاهی ایران نسبت به آن جزایری که در خلیج فارس جزو سرزمین ایران می باشد استحضار کامل دارند و دوستدار بقین دارد آندولت دوست و همجوار بهیچگونه اقدامی که مخالف روح دوستی و صمیمیت و حسن همجواری باشد مبادرت ننخواهند فرمود.

با احساسات صمیمانه باقر کاظمی

آیا میدانید؟

که طبق آمار وزارت تجارت خارجی امریکا هم اکنون در سرتاسر دنیا یکصد هزار سالون سینما وجود دارد که دارای پنجاه و چهار میلیون صندلی جهت تماشاچیان است؟ از بین اینهمه سینما ۵۳۶۵۸ سالن در اروپا وجود دارد که رویهمرفته بیست پنج میلیون و هفتصد و پنجاه هزار صندلی دارد. بعد از اروپا جایی که بیش از همه سینما دارد اتازونی است که دارای ۱۹۷۹۷ سینما می باشد. در امریکای جنوبی ۱۱۳۱۶ سالن سینما و در خاور دور ۷۳۶۹ سینما و در آفریقا ۱۳۰۱ سینما وجود دارد.

مرک او ا پرون

هفتمین رئیس جمهور آرژانتین

او ا پرون مقتدر ترین زن جهان در نیمه اول سال ۱۳۳۱ در اثر ابتلای بیک بیماری سخت در آرژانتین چشم از جهان بست و با مرگ خود شورش و غلغله عجیبی در آرژانتین پیا ساخت.

سرگذشت او ا قبل از اینکه شوهرش بمقام ریاست جمهور برسد بسیار غم انگیز و مهیج است. او ا دختر فقیر و زیبایی بود که سالهای اول جوانی خود را بواسطه فقر و تهی دستی در ذلت و سختی می گذرانید و چون زیبایی خیره کننده ای داشت اغلب مورد بغض و حسادت دختران ثروتمند قرار می گرفت ولی فشار زندگی و محرومیت های پی در پی که دامنگیر او شده بود او را یک دختر انتقامجو و مبارز بیار آورد و تصمیم گرفت که با بزرگ کردن شخصیت خود و رسیدن بمقامات عالییه انتقام محرومین و بیچارگان را از طبقات ثروتمند آرژانتین بگیرد. او ا از مردم ثروتمند کشورش خوشنوها دیده و اهانتهای بی شمار کشیده بود و کینه و دشمنی بخصوصی همیشه از روش نابسندانه این مردم در دل داشت او زمانی بنفع طبقات محروم در رادیوی (بوئیرس آئیرس) پایتخت آرژانتین آواز می خواند و چون در اینکار موفقیت شایانی نصیبش شد آوازه شهرت و محبوبیتش در همه جا پیچید و زیبایی و طننازی و شخصیتش او را در ردیف بهترین آرتیستهای آرژانتین در آورد در این هنگام بود که در یکی از مجالس شبانه با کاتلن پرون که در آن هنگام در ارتش خدمت می کرد آشنا شد و دوستی و عشق و علاقه آنها بهم منتهی باز دواج گردید.

از روزی که او ا باز دواج ژان پرون در آمد زندگی ژان

یکباره تغییر کرد و وی در اثر هوش و فعالیت او از زن جوان و کار دانش سرعت مدارج عالی را پیموده و در ابتدا بوزارت کار و سپس ریاست جمهور انتخاب گردید .

در همین موقع بود که او با موفقیت در نقشه که سالها قبل طرح آنرا ریخته و انتظار اجرای آنرا داشت از نفوذ خود استفاده کرده و شوهرش پروین را وادار کرد که املاک و ثروت بیکران ثروتمندان را بنفع طبقات محروم و بی چیز ضبط و تقسیم نماید . پروین همه جا بانقشه های او موافقت کرد و ملت دوستی و نوع پروری این زن و شوهر جوان، چنان محبوبیتی در دل ملت آرژانتین پدید آورد که حتی مردم او را برای معاونت ریاست جمهور انتخاب نمودند ولی بامرگ او آرزوی ملت آرژانتین جامه عمل نیوشید و کسی که زیبایی و شهرت و مقام خود را وقف کشور خود کرده بود برای همیشه از بین آنها بیرون رفت . در تجلیلی که ملت آرژانتین از جنازه او پرور نمود در تاریخ مرگ سلاطین هم دیده نشده بود . مردم هر چه گل در پایتخت بود جهت نثار بجنازه او خریده بودند و تامدت سه روز هیچ نوع گل در آرژانتین پیدانمیشد در روز اول تشییع جنازه فشار جمعیت بقدری شدید بود که هشت نفر در اثر ازدحام مردم فوت کردند و ۵۸ نفر زن نیز غش کردند و سه هزار نفر زخمی شدند و پارلمان آن کشور قانونی بقوریت تصویب کرد که طبق آن نمایندگان هفته ای یکبار مقبره او را گل باران کنند .

تمام کافها و سینماها و دانسینکها و بارها مدت سه روز با احترام فوت او پرورن تعطیل گردید .

در موقع تشییع جنازه يك ژنرال معروف آرژانتین فوت کرد و تعداد تشییع کنندگان در بعضی مواقع بقدری وسیع بود که حتی صف ۶ کیلومتری تشکیل داده بودند .

بقلم آقای دکتر عباس محشم نوری

افزایش نفوس عالم

آقای دکتر عباس محشم



نوری فرزند مرحوم میرزا حسین خان محشم الممالک نوری از خاندان قدیم و شریف ایرانی است که اجداد ایشان در جنگ های روس و ایران و جنگ هرات و قیام شیخ عبداللہ کرد شرکت جسته و بدرجه شهادت رسیده اند ایشان تحصیلات خود را در مدارس اقدسیه و سن لوئی آغاز و سپس در مدرسه حقوق بانجام رسانده و در رشته های قضائی و سیاسی

آقای دکتر محشم نوری

و اقتصاد دارای دیپلم درجه لیسانس می باشند و آنگاه با هزینه شخصی بیاریس رفته و باخذ دیپلم دکترای در رشته های حقوق و تاریخ و جغرافیا با موفقیت شایان نائل شده اند . آقای دکتر محشم نوری بزبانهای فرانسه و انگلیسی کاملا آشنا بوده و دارای آثار و تالیفات زیادی نیز می باشند .

در بین نظریه و تئوری های علم اقتصاد امروزه به ثبوت رسیده که هیچک صحتی تر از نظریه مالتوس^۱ محقق قرن ۱۹ نیست . این دانشمند انگلیسی معتقد بوده که جمعیت بشر خیلی

(۱) - توماس روبرو مالتوس در ۱۷۶۶ مسیحی متولد و در ۱۸۳۴ فوت نمود صاحب تألیف رساله ایست موسوم به مطالعہ و تحقیق در نفوس و تکثیر جمعیت عالم .

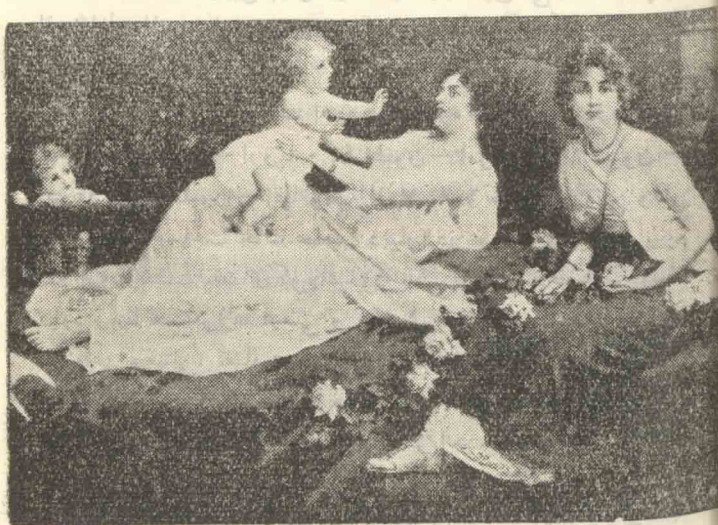
زیادتر از تولید رو بفرزونی گذارده تا جائی که روزی ممکن است فرارسد که تولید کفاف حیوة او را ندهد. بعبارت بهتر خوار و بار و محصول به نسبت عددی بالا می رود در صورتی که جمعیت به نسبت هندسی و تصاعدی امروزه این نظریه بصورت يك حقیقت تمامی جلوه گری می نماید زیرا می بینیم که در همه جا نفوس کشور های جهان بسرعت عجیب و به نسبت تمدنی که دارند بالا می رود. مثلا حالا که در آستانه نیمه دوم قرن ۲۰ هستیم با وجود دو جنگ بزرگ و موحش جهانی که متجاوز از پنجاه میلیون نفوس بشری را بورطه هلاکت کشیده و با وجود جنگهای انفرادی دول از قبیل جنگ انگلیس و ترانسوال، جنگ ژاپون و چین، جنگ ژاپون و روس، جنگهای بالکان، جنگ ایتالیا و عثمانی، جنگهای بین ۱۹۱۸ و ۱۹۴۰ مانند روس و لهستان -- ایتالیا و حبشه -- ژاپون و چین و غیره و با وجود انقلاب و شورشهای داخلی در بعضی کشورها که هر يك خواه ناخواه ضایعات زیادی وارد نموده معذلك نفوس امروزه کشور های عالم طوری رو بفرزونی نهاده که بهیچوجه قابل مقایسه با سابق نیست.

بدیهی است در بین جمعیتهای کشورهای عالم بعضی بیشتر و برخی بعلیی کمتر زیاد شده اند و این البته معلول يك سلسله عواملی است که از روی قواعد و اصول ریاضی و علمی حساب شده و در جای خود محفوظ است که بعداً ذکر خواهد شد و باید متذکر گردید که ایران ما هم از این قاعده کلی مستثنی نبوده و بر جمعیت آن بطور محسوس افزوده شده است.

یک نفر کشیش و دانشمند ایتالیائی موسوم به (ریسی اولی) معلوم نموده که در قرن ۱۷ میلادی جمعیت هفت اقلیم جهان به يك میلیار د یعنی هزار میلیون نفر بالغ بوده است ولی این کمیت بطور کم و زیادی تفاوت پیدا کرد تا اینکه در اوایل قرن ۱۸ میلادی به هزار و سه میلیون - و در ۱۸۴۳ طبق تعیین (میشلو) به هزار و نه

ملیون رسید.

ولی از این تاریخ بیعد می بینیم که جمعیت جهان بطور محسوسی بعلت قوام حکومتات و صنعتی شدن آنها و وجود طرق و راهها و جلو گیری از فحطیها و امراض و سیر تکامل و ترقی و غیره رو بفرزونی گذارد چنانکه طبق تشخیص (لواسور) در سال ۱۸۷۸ یعنی سالی که آخرین جنگ روسیه و عثمانی صورت گرفت جمعیت



کودکان شاد و خندان در آغوش مادران سالم و بشاش پرورش می یابد

جهان به ۱۴۴۰ میلیون و در سال ۱۹۰۵ یعنی آغاز سده بیستم به هزار و شصت و دو میلیون و در ۱۹۱۴ یعنی شب جنگ بین المللی اول طبق تشخیص (کیس) به ۱۶۵۰ میلیون و در سال ۱۹۳۰ - ۳۲ حسب تعیین مجمع اتفاق ملل بدو هزار و دو بیست و چهل و پنج میلیون و امروزه نفوس کلیه عالم بدو میلیارد و نیم بالغ شده است

و جمعیت تمام کشورها هم تقریباً صحیحاً معلوم و بدست آمده است جز در مورد چین که قریب صد میلیون اختلاف دارد و جمعیت این کشور را در حدود ۴۵۰ میلیون تخمین زده اند.

از این مقداری که ذکر شد ۹۳۰ میلیون متعلق به آسیا می باشد و اگر در نقاط مختلفه گیتی جمعیت بطور تساوی وجود می داشت بهر کیلومتر مربع سیزده نفر اصابت می نمود ولی چون در نقاط مختلفه زمین بعلل زیادی جمعیت فرق می کند لذا پاره از نقاط عالم خیلی بیشتر از سایر نقاط دارای کثرت جمعیت می باشند.

بطور کلی جمعیت امروز پنج قاره گیتی بترتیب زیر است:
 آسیا ۹۵۰ میلیون - اروپا ۴۳۰ میلیون - امریکا ۱۶۰ میلیون -
 افریقا ۱۵۰ میلیون - اقیانوسیه از ۷ تا ۱۰ میلیون . ولی وقتی که بتناسب مساحت خاک جمعیت دنیا را در نظر می گیریم می بینیم که اروپا نسبت بقضای کوچک خود بیش از سایر نقاط عالم جمعیت دارد زیرا هم شرایط ارضی و سماوی مساعد است و هم شرایط مصنوعی ومدنی. بعبارت بهتر هم اقلیم سازگار است و هم وسایل تمدن در اختیار. باز نقاط مختلفه اروپا هم فرق می کند زیرا اروپای غربی و شمالی جمعیتش زیادتر است تا اروپای شرقی و جنوبی.

در اروپا دهر کیلومتر مربع ۵۲ نفر - آسیا ۲۸ نفر -
 امریکا ۶ نفر - افریقا ۵ نفر سکونت دارند. نواحی قطبی را بمناسبت برودت و سرما و نواحی سوزان و صحرای افریقا را بملاحظه بی آبی و خشم طبیعت می توان تقریباً بلاسکینه فرض نموده و از درج کلام ساقط داشت برعکس در اراضی حاصلخیز و غنی که شرایط زندگی آماده است مخصوصاً در ولتای آسیا (آسیای جنوبی و شرقی) دهر کیلومتر مربع تا چهارصد نفر هم تخمین زده اند در اندونزی و جاوه و بعد در ژاپون جمعیت بیش از همه جا است ۴۰۰ نفر در هر

دو مراکز صنعتی اروپا نیز جمعیت خیلی زیاد است چنانکه در گلاسکو و واسکس انگلستان و همچنین در بلژیک و هلند جمعیت زیاد و دهر کیلومتر مربع تا ۶۷۵ نفر هم تخمین زده اند. بطور کلی مراکزی که زیاد مقرر سکونت بشر است عبارتند از: اروپا، شمال شرقی اتازونی، آسیای شرقی و جنوبی و بعبارت بهتر در نقاطی که در معرض وزش بادهای موسمی (موسن) قرار گرفته اند.

گفتیم که از کلیه نفوس جهان (دومیلیارد و نیم) نصف آن تعلق بقاره آسیا دارد و مطلبی که در اینجا باید مزید نمود این است که تکثیر نفوس در کشورهایی که خود را برای وصول تمدن غربی آماده نموده اند بویژه در قرن ۱۹ و نیمه دوم آن

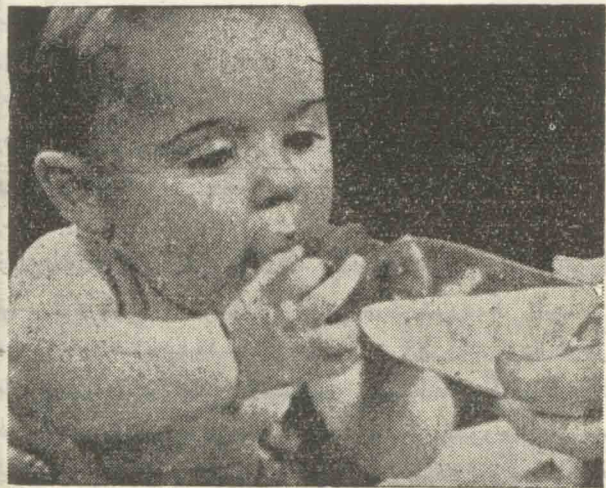
بسیار شایان ملاحظه بوده است. بخصوص در کشورهای اروپا و امریکا و ژاپون احصائیه زیر این حقیقت را روشن می سازد. اروپا در ۱۸۰۰ میلادی ۱۹۰ میلیون، امریکای شمالی ۱۵ میلیون و ژاپون تقریباً هیچ جمعیت داشته است ولی در ۱۸۵۰ اولی به ۲۷۰ و دومی به ۳۹ و سومی به ۲۵، و در ۱۹۰۰ اولی به ۴۰۰ و دومی به ۱۰۶ و سومی به ۴۶ - و در ۱۹۳۰ اولی به ۵۰۰ و دومی ۱۶۵ و سومی به ۶۴ - و در ۱۹۴۰ اولی به ۵۳۰ و دومی به ۱۹۰ و سومی به ۷۴ میلیون رسیده اند.

و خلاصه امروزه کشورهای که بیش از همه جمعیت دارند عبارتند از بلژیک، هلند، ژاپون مسئله دیگری که در اینجا پیش می آید مهاجرت و کوچ کردن مردم از کشوری بکشور دیگر است.

این عمل سابقاً مخصوصاً در قرن ۱۹ زیاد بوده که مردم بعلل مختلفه مشت یا منفی از مملکتی به مملکت دیگر رخت بر بسته و در آنجا رحل اقامت می افکنند و داخل مردم کشور جدید می شدند بقیه السیف اختلافات مذهبی - راضی نبودن مردم از وضع حاضر - تحصیل مرادهای تازه عنده مردم را برمی انگیزت که در طلب معاش و تلاش روزی و داشتن وضع بهتری دائماً در تکاپو باشند و این

علل نیز در علت مهاجرت ملل مهاجر فرق می کند مثلاً موجباتی که اهالی روسیه و لهستان و اهالی بالکان را بسوی امریکاسوق می داد . یا مردم جنوب ایران را بکرانه جنوبی خلیج می برد البته تفاوت داشت باعللی که انگلیسی را بااسترالیا یا ترانسوال و کاپ گسیل می داد .

اولی بواسطه عدم رضایت و خشنودی مردم از وضع حکومت ورژیم و وجود بی عدالتی و تعدی بود و دومی بواسطه بدست آوردن منافع و سود بی شمار از اراضی با کوره یا کان های الماس . و در هر صورت علل هرچه بود این حقیقت غیر قابل انکار است که در قرن ۱۹ مقدار زیادی مردم از آلمان و انگلیس ، مجار ، اسلاو ، اسکندیناو ، ایتالیا به اتازونی و کانادا و برزیل و آرژانتین و افریقای جنوبی و استرالیا رهسپار شدند تاجائی که



شیر سالم ، کودکان بوجود می آورد



زنان نژاد اسلاو قابلیت و استعداد بار آوردن دارند

بعضی ازدول ناچار شدند قانونی براین کاروضع نمایند و ازورود دیگران بطور سیل آسا بیخاطر خود جلو گیری کنند ولی بعداً به عللی تقریباً این عمل متروک و امروزه دیگر مهاجرت بان معنی

وجود خارجی ندارد زیرا از یکطرف ملل باحس میهن دوستی که دارند حاضر نیستند وطن مألوف خود را ترك نمایند و از طرفی هم دولتها توانائی آنها ندارند که در رفع احتیاجات مردم کوتاهی نمایند زیرا امروزه درهمه جا اصل ورژیم حکومت مردم بر مردم جاری است.

چه عواملی موجب ازدیاد نفوس است ؟

عوامل بسیاری موجب ازدیاد نفوس در عالم است که امروزه بعضی از آنها برای ملل راقیه تحصیل و در جزو برنامه نخستین زندگی اجتماعی و ملی است ولی برای ما که متأسفانه هنوز فاقد بسیاری از آن وسایل بی‌باشیم ضرری ندارد که بعضی را یاد آور شویم.

این عوامل بطور کلی بقسمتهای مختلفه تقسیم می‌شوند که در باره هر یک می‌توان رساله جدا گانه نوشت و بطور خلاصه عوامل یاطبیعی است یاسیاسی .

مقصود از نوع اول استعداد زمین و خاک و سازگاری سامان و خطه زندگی بلحاظ جهات طبیعی یعنی وجود آب و نزول باران و از این قبیل است.

مثلا نقاط خشک و سوزان صحرا یا نقاط خیلی سرد و بی حاصل یا کوهستانی و فلات که از مواهب طبیعت برخوردار نیستند قهراً غیر قابل سکونت یا اقلا کم جمعیت خواهند بود. مضافاً باینکه مردمی که در این نقاط زندگی می‌کنند محکوم بی عدالتی و قهر طبیعت بوده آن برومندی و فعالیت و خرمی را نخواهند داشت که دیگران دارند.

چنانکه در صحرای سوزان افریقا یا اراضی قطبی و سرد سیبری بزحمت درده کیلومتر یک نفر دیده می‌شود. مثل دیگر در کشور خودمان. در آذربایجان و نقاط شمال دارالمرز که از مواهب طبیعت برخوردار است با وجود جهات مخالف دیگر جمعیت



بمراتب زیادتر و مردمش کاری‌ترند تا فلات صحرای مرکزی و شرقی و کویر لوت که نه مردم دارد و بقرض که مردمی هم در آنجاها باشند مانند خطه بلوچستان مردمی گرم‌زده و دور افتاده مخصوصاً این که توجه و مراقبتی هم بآنها نشود. از اینکه گذشتیم جهات دیگر از قبیل وجود امنیت، عدالت،

راهوارتباط شهرها وجود حکومت

زنان سالم و بانشاط در ایجاد تکثیر نفوس سهم بسزائی دارند

ثابت و دلسوز که از خود مردم بوده و حوائج واقعی مردم را بداند، جلوگیری از قحط و غلاء و امراض - تهیه وسایل آسایش و رفاه مردم، حفظ عدالت اجتماعی و رفع اختلافات دینی و علاقه مندی بحفظ نفوس ذکیه، وضع قوانین لازمه و مفیده برای حفظ نفوس و تشویق در تکثیر، اهمیت دادن بزناشویی و تولید مثل و حفظ کودکان و مادران و رفاه مردان بطوریکه امروزه در کلیه نقاط متمدنه وجود دارد، اهمیت یاب و خوراک و تهیه وسائل بهداشت از هر قبیل و در هر قسمت، زیبایی بلاد و شهرها بمنظور جلب مشتری

و نفوس همه این مراتب و عوامل یکی بعد از دیگری از فرد و جمع مؤثر در ازدیاد نفوس و تکثیر مردم يك کشور است.

بطور کلی هر چه تمدن و آبادی و قدرت کشوری زیادتر می شود بهمان درجه و نسبت بر تعداد مردم آن کشور نیز علاوه خواهد شد و بهترین مثال در این مورد آلمان و روسیه و امریکا است. اتازونی امریکا کشور تازه ایست وقتی که در قرن ۱۷ و ۱۸ مردمی از انگلیس بدین قاره پناه بردند در آنجا جز حیوانات درنده و جنگلهای مالاریائی و نژاد بومی یعنی سرخ پوستان دره (آند) چیز دیگری وجود نداشت چنانکه دیدیم جمعیت این کشور پهناور که دو اقیانوس بزرگ عالم را بهم ربط می دهد در حدود ۷۵ و بعد



بچه های شاد و خندان ، مردان سالم و نیرومند فردا خواهند بود

۱۵ میلیون یعنی بقدر جمعیت بدترین مواقع ایران بیش نبود و حال آنکه امروزه در نتیجه ترقیات روز افزون در تمام مراحل حیوة و شئون زندگی نفوس آن بالغ بر یکصد و نود میلیون سکنه است و در فاصله بین ۱۸۲۰ تا ۱۹۰۰ يك قلم متجاوز از ۲۵ میلیون مهاجر داشته است و اگر امروزه مردمی بصورت دسته جمعی یعنی مهاجر باین کشور که از نعمت آزادی و امنیت و تمدن بنام جهات برخوردار است نمی روند ولی



کمتر کسی است که هوس عزیمت بامریکا و اقامت در آنجا را اقل

استراحت برای ازدیاد عمر نتیجه زیادی می بخشد

یکبار در مدت عمر مانند سودائی که سابقاً برفتن عرض موعود بود نکرده باشد.

جانمیر و یلز مورخ و نویسنده معروف انگلیسی موجبات ترقیات شگفت انگیز امریکار امرهون و وجود راههای آهن سرتاسری شرقی و غربی می داند که دو اقیانوس بزرگ را بهم متصل میسازد و معتقد است که این رشته راهها مسافت را کم نموده کار و مردم بوجود آورده است و همچنین باعث ایجاد عالم جدیدی در صحنه مدنیت گردیده است. این حقیقت نا گفته نماند که بشر از آغاز امر به پیروی از سنت غریزی و حس طبیعی و میل باسایش همیشه در صدد بوده در نقاطی تجمع کند که وسایل زندگی در اختیار داشته تا بتواند امرار معاش نماید و بهمین جهت بوده که در ایام

باستان اکثر شهرها و حوزه بشری در نقاطی قرارداد شده که از وجود آب و علف و پل و یا سد استفاده می شده است تمدن اولیه قبایل سومری، کلدی، آشور، شوش، مدی، مصر، کرتاژ، هندو بعدها ایران و روم همه در کرانه رودهای معروف دجله، فرات، کارون، سند، گنگ، تیبرو غیره بوجود آمده و تجلی نموده است و وجود این انهار تا درجه نزد مردمان اولیه و نیاکان بشر گرامی بوده که حتی بعضی ملل آنها را تقدیس نموده و بدرجه پرستش احترام می گذارند مانند ملل آریائی هند و ایران و مصریان باستان و حتی رود تیبیر نزد رومی ها و رن نزد طائفه ژرمن مقام مقدسی را حائز گردید و باز بهمین سبب بود که پایتخت های بزرگ جهان در کنار رودخانه های معروف قرار گرفته اند. حفرچاه و تحصیل آب و غرس اشجار بصورت یک عمل دینی نزد پیروان کیش ودیک و زردشت در آمد و بعدها در قرون وسطی اسلام هم در این باره تا کیدات زیادی فرمود سعدی گوید:

هر کجا چشمه بود شیرین
ملخ و مرغ و مور گرد آیند
تا چه رسد به آدمی که همیشه میل داشته وضعیت بهتری را
برای خود آماده نموده باشد.

روسیه اروپا در ۱۸۰۱ یعنی زمان پادشاهی اسکندر اول که با ناپلئون و فتحعلیشاه معاصر بوده و همان کسی است که ایالات قفقاز را از ایران ربود در حدود ۳۰ میلیون بیشتر سکنه نداشته ولی در سال ۱۸۸۵ به ۹۱ میلیون و در شب جنگ اول جهانی یعنی در سالهای ۱۹۱۲ و ۱۹۱۳ و ۱۹۱۴ در زمان نیکلای دوم به ۱۳۸ میلیون و امروزه قریب دویست میلیون نفوس دارد. ضمناً نباید از نظر دور داشت که اصولاً زنان نژاد اسلاو قابلیت و استعداد بار آوردن دارند.

آلمان در فاصله ۱۸۷۱ که امپراطوری را اعلام کرد تا ۱۹۱۰ تعداد ۴۲ میلیون بر سکنه اش افزوده شد و انگلیس از



یک کودک سالم که در مناطق کوهستانی پرورش یافته است

۱۸۷۱ تا ۱۹۱۱ سیزده میلیون و هفتصد هزار - در سال ۱۸۰۱ جمعیت کل انگلیس فقط پانزده میلیون و نهصد هزار نفر بود و امروزه به ۳۹ میلیون رسیده است.

فرانسه از ۱۸۷۲ تا ۱۹۱۴ فقط ۳ میلیون و نیم بر مردمش افزوده شده و در مدت ۴۰ سال بقدری که روسیه در مدت دو سال نفع برده سود جسته است و عبارت بهتر در فرانسه جمعیت متوقف و حتی در بعضی سنوات هم کم شده و همین کمی افزایش بود که پس از جنگ اول جهانی اولیاء امور فرانسه را بو حشت افکنده و بر آن داشت تا تدابیر مؤثری اتخاذ نمایند.

در قرن ۱۸ فردریک کبیر در پروس و کاترین دوم در روسیه

که جمعیت کشور خود را به نسبت خاک کم می دیدند - حتی اعلام کردند حاضرند گناهکاران کشورهای دیگر را هم بپذیرند زیرا معتقد بودند همان مجرمین اگر در محیط مناسبی تربیت شوند اصلاح و انسان خواهند شد و علاوه بر فرزندان ایشان بصورت انسان کامل در خواهند آمد.

لذا نه تنها نویسندگان معروفی از قبیل ولتر و دیدرت بدر بار ایشان رفتند بلکه مقداری هم مردم از گوشه و کنار بدن دیار روی آوردند و خلاصه ایشان توانستند با وسایل گوناگون کشور خود را برور و با تدایب عاقلانه دارای مردم و جمعیت نمایند و مهمتر آنکه آن جمعیت را بنحو مطلوبی اداره نمایند و زیاد کنند امروزه نیز دول راقیه جهان سعی می کنند بهر طریق هست بر تعداد نفوس افزوده و بی بهترین وجه آنها را راحت نگاهدارند .

این ازدیاد چنانکه گفته شد یا بوسیله تولید است یا بوسیله حفظ مواد و جلوگیری از مرگ و مخاطرات آنها در سنین مختلف زندگی و یا بوسیله جلب مردم دیگر بخاک خود برای استفاده و تشویق آنها بتوقف .

در موقعی که پاریس بودم می دیدم که با وسایل مجهز تبلیغاتی اکثر دول اروپا اصرار دارند که مردم اقلا برای گذراندن تعطیل و ایام فراغ بخاک آنها بروند و حتی دول مصر و اسرائیل هم در این خصوص تبلیغاتی می نمودند ولی از طرف مملکت گل و بلبل یا کشور مسجد و مناره هیچگونه اقدامی بعمل نمی آمد .

همچنین سال گذشته در پاریس بسیاری از ایرانیان را می دیدم که از آمدن بایران استحضار دارند هر چند که هر يك دلیلی می آورد ولی علت نهائی فی الحقیقه این است که در آنجا شرایط زندگی از جهاتی بسیار سهلتر و آرامش خاطر و خیال و وسیله بهداشتی مهیوتر است . امنیت خاطر و وسایل تفریح دارند، مورد بی عدالتی قرار نمی گیرند ، کسی را با کسی کاری نیست حدود و وظیفه هر کس بموجب قوانین و نظامات معین است ، محیط ادب و نزاکت و انسانیت است . خیا بانها و بناها و میادین و آثار تاریخی و نزهتگاههای متعدد از هر قبیل ، انواع موزه ها ، کتابخانه ها و مجسمه ها و آثار و مظاهر تمدن آنها چند قرن بیننده را بخود مشغول می دارد هر کس اهل هر حرفه و عملی هست مطلوب

خود را زود در آغوش می گیرد . شرایط هوا و طبیعت کاملاً مساعد است ، پزشک و دوا و مریضخانه دور از شما نیست . قیودی که در کشور ما برای زندگی وجود دارد در آنجاها هرگز نیست . در آنجاها زن باردار و کودک خردسال ارزش مخصوصی دارند و برای تولید مثل و حفظ نفوس کسکها و امتیازاتی مقرر است کمترین تقلب در غذای عمومی و بویژه



غذای سالم در پیدایش نژاد سالم بسیار مؤثر است

شیر بچه و کره و لبنیات بزرگترین کیفرها را دارد . شما در تهران شاید بیشتر از یکی دو اینه تاریخی از قبیل مسجد سپهسالار یا مسجد شاه یا عمارت نظامیه نداشته باشید که محل توجه مسافران باشد ولی در پاریس هزاران اینه تاریخی از قبیل پانتئون ، اتوال ، ساکر کور ، نوتردام ، انوالید ، ایفل ، لوور ، سیتاوتی و رستیه با هزاران شگفتیها و غرائب دیگر ملاحظه می کنید که هر يك دارای لطف و سابقه و بداعت مخصوصی است . مجموع این زیباییها و هزاران لطفهای دیگر است که امروزه شهر پاریس و اطراف آنرا عروس بلاد جهان نموده و متجاوز از ۳ میلیون بان جمعیت داده است .

در عید پاک ۱۹۵۱ متجاوز از سیصد هزار نفر از اروپا و مسافران از نقاط مختلفه پاریس آمده بود که اگر صدیک آن در این شهر

مقیم شده باشند پس از مدتی رقم کلی را تشکیل خواهد داد. در این شهر متجاوز از یکصد پل آهنی و سنگی بر رودخانه معروف سن اخطاط شده که هر یک دارای لطف خاصی است و خلاصه در هر ۳۰ قدم شما به پلی می رسید که می توانید از روی آن از ساحل بساحل دیگر گذر کنید و حال آنکه خرمشهر که اولین بندر تجارتهای ایران و مختتم یا مبده راه آهن سرتاسری است حتی یک پل آهنی ندارد و یا شهر اصفهان که بعد از تهران امروزه اول شهر ایران و منچستر ایران و مهمترین شهر صنعتی کشور است صر منظر از پلهای سنگی زمان صفویه که آنهم برای عبور دواب ساخته شده امروزه دیگر پل ندارد و دو ساحل زاینده رود با وسایل مجهز امروزه بهم مرتبط نیست و این تقاضا شاید متأسفانه یکی از کوچکترین دردهای ما باشد که ضمن هزاران دردهای دیگر گاهی بر زبان آمده و فوراً هم فراموش می شود.

باری از این مطلب بگذریم و بی بحث مربوطه بپردازیم زیرا اگر بخواهیم رشته سخن را در این باره ادامه دهیم مثنوی هفتاد من کاغذ شود.

موضوع علم مطالعه و ملاحظه در انفس و انطباق با آفاق و محیط و احصائیه و سرشماری در مردم جهان (دموگرافی) امروزه کسب اهمیت نموده و با فرمول و حسابهای منظم و دقیق روشن شده که مثلاً چگونه و چرا در بعضی کشورها تعداد زن بیش از مرد است و در چه سنین مخاطره زیاد تر است و چگونه از بعضی حوادث و مرضها جلو گیری شده و در شهرها و دهات حساب موالید و متوفیات چگونه است و هزاران چیزهای دیگر از این قبیل که هر یک رساله و بحث و حساب علیحده لازم دارد.

مثلاً امروزه تقریباً از ضایعات مرض سل جلو گیری شده و مخاطرات الککل بر انداخته شده فقط مرض سرطان است که اسباب زحمت می باشد و همچنین در فرانسه یقین کرده اند بخوبی می توان

به شصت سال که آغاز سنین پیری است رسید و می توان تعهد کرد که نصف نفوس باین سن خواهند رسید و عبارت دیگر مخاطره تا این سن را از بین برده اند. این بود مختصری از تکثیر نفوس در جهان و اهمیتتی که دنیای متمدن باین امر میدهد. اگر حیاتی بود سال دیگر راجع بایران و جمعیت سابق و کنونی آن بحث خواهیم کرد.

اینک در پایان این مقاله سی شهر بزرگ دنیا را که بکثرت نفوس در جهان معروفند ذکر می کنم هر چند که احصائیه ها با هم



برای تولید نسل سالم موفقیت از آن زنان ورزیده است

مختصر اختلافی داشته و تعیین جمعیت حقیقی این بلاد مانند اندازه کلاه ماه خالی از اشکال نیست.

۱ - نیویورک ۸ میلیون (بدون حومه) ۲ - توکیو ۶ میلیون و ششصد هزار ۳ - لندن چهار میلیون و نیم ۴ - برلن چهار میلیون و چهارصد هزار ۵ - مسکو چهار میلیون و دو صد هزار ۶ - شانگهای ۳ میلیون و نیم ۷ - شیکاگو ۳ میلیون و نیم ۸ - لندن گراد ۳ میلیون و چهار صد هزار ۹ - اوزاکا (در ژاپون) ۳ میلیون و دو صد و پنجاه

۵۰ هزار ۱۰ - پاریس دوملیون و هشتصد هزار ۱۱ - بوئیرس آئیرس (آرژانتین) دوملیون و چهارصد و شصت هزار ۱۲ - کلکته ۲ ملیون و دو بیست هزار ۱۳ - فیلادلفی دوملیون ۱۴ - وینه یکمیلیون و نهصد و بیست هزار ۱۵ - ریودوژانیرو (برزیل) ۱ ملیون و هفتصد هزار ۱۶ - هامبورگ یکمیلیون و هفتصد هزار ۱۷ - دترو (اتازونی) یکمیلیون و هفتصد هزار ۱۸ - پکن یکمیلیون و پانصد و شصت هزار ۱۹ - لوس آنجلس یکمیلیون و نیم ۲۰ - بمبئی قریب یکمیلیون و نیم ۲۱ - مکزیکو یکمیلیون و چهارصد هزار ۲۲ - بارسلن (اسپانی) یکمیلیون و چهارصد هزار ۲۳ - سیدنی (اقیانوسیه) یکمیلیون و سیصد و چهل هزار ۲۴ - تین تس (چین) یکمیلیون و دو بیست و نود هزار ۲۷ - ورشو یکمیلیون و دو بیست و نود هزار ۲۸ - مادرید یکمیلیون و دو بیست و ده هزار ۲۹ - تهران یکمیلیون و دو بیست هزار ۳۰ - رم یکمیلیون و صد و شصت هزار .

چنانچه ملاحظه می شود اکثر شهر های پرفوس متعلق بامریکا و ژاپون و انگلستان یعنی کشورهای صنعتی و متمدن است. گفتیم آنچه باید افزون بر این نشاید

گر لغزش و خطا رفت معذور دار مارا

— ارزش اولاد در روسیه شوروی —

طبق گفته بریا عضو پولیت بورو و وزیر داخله شوروی هر سال تعداد ۳ ملیون نفر بر جمعیت روسیه شوروی افزوده میشود و علت این افزایش حیرت انگیز تشویقی است که دولت شوروی از مادران پر اولاد بعمل میآورد. در روسیه هر زنی که دارای ۵ اولاد باشد بدریافت مدال (پیروزی مادری) موفق میشود و اگر زنی دارای ۱۱ اولاد بشود باو نشان (فهرمان مادران روسیه شوروی) اعطا خواهد شد هم اکنون نیز تعداد ۳۵۰۰۰ نفر بدریافت نشان پیروزی مادری و مدال قهرمان مادران روسیه شوروی نائل شده اند و دولت شوروی هر ساله با دارندگان این مدالها مبالغی پرداخت میکند تا از این راه نیز بشویق مردم در راه افزایش جمعیت شوروی کمک شود .

ملکه انگلستان

هیچگونه آزادی عمل ندارد



در هیچ کشوری مانند انگلستان پادشاه مجبور باطاعت آداب و رسوم کهنه سلطنتی نیست و اگر بداند که ملکه انگلستان حق ندارد حتی تختخواب خود را عوض کند و مجبور است حتماً روی همان تختخوابی که جدش ملکه

ویکتوریا در صد ها سال قبل روی آن می خوابید بخوابد بدون شك تعجب خواهید کرد و تعجب شما وقتی افزوده خواهد شد که بداند ملکه انگلستان از دست زدن بزینت آلات قصر (بو کینگهام) که مقرر سلاطین قدیم انگلستان است بکلی ممنوع می باشد .

یکی از علل کناره گیری (دوک ویندزور) پادشاه سابق و عمومی ملکه فعلی انگلستان از سلطنت تنفر شدید از این رسوم و آداب کهنه در بار انگلستان بود که متعصبین انگلیس او را وادار باطاعت از این رسوم می کردند .

دوک ویندزور در یادداشت هائی که پس از ترک سلطنت خود نگاشته است می نویسد تنها اشیائی را که در موقع سلطنت خود دور از چشم متعصبین انگلیسی بداخل کاخ بو کینگهام اضافه کرده ام يك دوش جهت حمام و يك سیم جهت تلفن خصوصی و يك تختخواب کوچک جهت استراحت است .

بنا بر این فهمیدید که يك انگلیسی متعصب چقدر خرافاتی و کهنه پرست است .

وضع قوانین تبعیضات نژادی بومیان افریقای جنوبی را بجنبش در آورده است

پسر گاندی پیشوای فقید هند برای نجات
هندوهای مقیم افریقای جنوبی ۱۶ روز
هیچکس نیست که (ماهاتما گاندی) روزه گرفت
پیشوای فقید ملت هند را که مدت یک عمر
برای نجات ورهائی هم میهنانش از چنگال استعمار مبارزه کرد



اینهارا فقط بجرم سیاه بودن بزندان میبرند

نشاند. گاندی تنها متعلق بملت هند نیست بلکه پیشوای آزادی
ملل شرق ورهبر آزادی مردم عالم است و او بود که برای اولین
مرتب پس از چند قرن همه چیز حتی صحت و سلامتی و خواب و خوراک
خود را وقف آزادی مردم استعمار زده عالم نمود و در اینراه تا
آنجا که مقدور بود موفق و پیروز شد. اگرچه جان خود را نیز
در راه مبارزه از دست داد ولی از هدف مقدسی که در پیش گرفته
بود اندکی منحرف نگشت و بنام مشعلدار آزادی ملت‌های جهان
معروف شد از این پدر نوع پرست و بشر دوست امروز پسری بنام
(راجما گاندی) بجای مانده است که هدف و نقشه مقدس پدر خود
را تعقیب میکند. راجما گاندی برای نجات هندی‌های مقیم افریقای
جنوبی از تحت فشار اهالی بومی و دولت افریقای جنوبی که بدست



تظاهر بر ضد قانون تبعیضات نژادی



سیاهان ازداد گاه خارج می گردند

انگلستان اداره می شود درچندی پیش مدت ۱۶ روز روزه گرفت و درحقیقت روزه پدر خود را که ۱۴ روز بود شکست. مردم افریقایی جنوبی برای نجات خود از وضعی که دولت مذکور ایجاد

کرده است سرسختانه مبارزه می کنند و رهبری آنها را نیز راجعاً گاندی بعهده دارد. علت فشار دولت افریقایی جنوبی یا انگلیسها باینعده چند ملیونی این است که انگلیسها با از دست دادن مستعمرات و عواید سرشار خارجی خود می خواهند با فشار و تحت شکنجه قرارداد این مردم منافع از دست رفته خود را بوسیله آنها بدست آورند و هندوهای رنج کشیده نیز امروز برضد این رفتار غیر انسانی قیام کرده اند.



در پشت سیمهای زندان

دکتر مالان نخست وزیر افریقایی جنوبی بدون اینکه بداند در چه عهدی زیست میکنند یکی پس از دیگری قوانین تبعیضات نژادی را از پارلمان آن کشور می گذرانند و جای بسی تعجب است اگر بدانید در قرن بیستم قوانین سخت و جابرانه از طرف مدعیان دروغین حقوق بشر وضع و اجرا می گردد که حتی در قرون وسطی

وزمان بربریت نیز چنین چیزی وجود نداشته است.

دولت داکترمالان مردم سیاه پوست افریقای جنوبی را بعلت اختلاف رنگ با سفیدپوستان دسته دسته بجرم نقض قوانین تبعیضاتی بزندان می فرستد.

طبق این قوانین هیچ سیاه پوستی حق ندارد در واکن واتومبیل واتوبوس سفیدپوستان سوارشود وحتی سینماها وباغ ملی سیاهپوستان نیز از سفیدپوستان مجزا است وخیلی خنده دار است که سفیدپوستان ومهاجرین اروپائی افریقای جنوبی که روزی بنام مهمان به آنسرزمین وارد شده اند امروز مردم بومی وصاحبخانه اصلی خود را ازخانه اش می رانند واین عادت عجیب مخصوص عده از مردم اروپا بخصوص انگلیسها است.

مشروبات الکلی

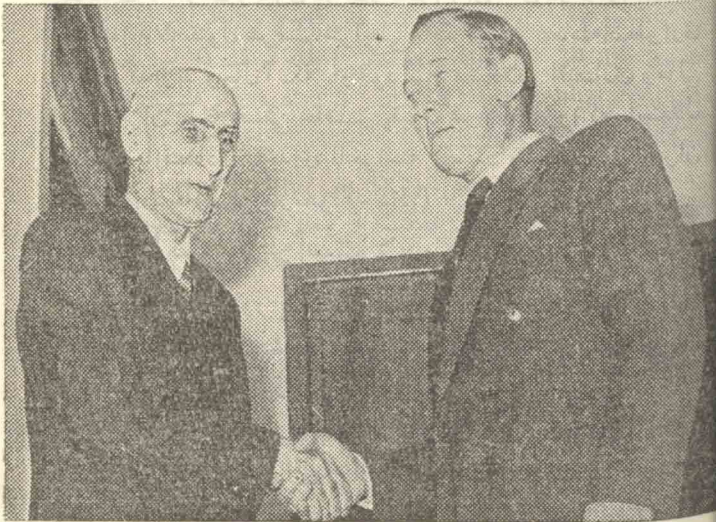
کودکان امریکائی را تهدید میکنند

طبق آمارهایی که بدست آمده است بیش از ۶۰ میلیون نفر از مردم امریکا معتاد باستعمال مشروبات الکلی هستند و معتادین بسیگار ودود نیز بیش از دوسوم جمعیت امریکارا تشکیل می دهد واز طرفی روز بروز بر تعداد معتادین بمخدرات و تریاک در آن کشور افزوده می گردد.

بیش از شصت درصد از کودکان امریکائی که سنشان بین ۱۴ و ۱۸ است معتاد بمشروبات الکلی ودود هستند وجای تعجب است اگر بدانید که تعداد کودکان معتاد بالکل ودود که سنشان از چهارده سال هم کمتر است بچند میلیون سرمیزند واز همین آمار معلوم خواهد شد که چگونه ملت امریکا دست به یک خودکشی تدریجی زده است ونسل جوان امریکا با اعتیاد روز افزون باین سموم مهلك، چگونه تهدید می شود.

اعلامیه نخست وزیر

درباره پیشنهاد مشترک امریکا وانگلیس



مصدق ومیدلتن کردار سابق سفارت انگلیس

در ساعت ۱۲ روز یکشنبه ۱۶ خرداد اعلامیه درباره علل نخست وزیر در حضور خبرنگاران خبرگزاریهای خارجی و داخلی صادر شد که انعکاس خوبی در محافل داخلی وخارجی بخشید. در این اعلامیه پس از رد پیشنهادات خدعه آمیز مورخه ۳۱/۶/۷ امریکا وانگلیس که منظورشان زنده کردن قرارداد تحمیلی ۱۹۳۳ بود شرح جامع ومفصلی درباره نیرنگهای جدید سیاسی دولت انگلیس

و امریکا دیده می شد که بنام راه حل منصفانه می خواستند کلاه سیاسی بزرگی بسرم ملت ایران بگذارند.

در پایان این اعلامیه چنین ذکر شده بود (از سرپای پیام و پیشنهاد مشترک امریکا و انگلیس اینطور استنباط می شود که برای دولت انگلستان چنین تصور باطلی حاصل شده که در نتیجه تضمینات آندولت اکنون دولت و ملت ایران بآن درجه از استیصال رسیده اند که بقبول هر قسم شرایطی حاضر شده و بمعامله اضطراری کردن گذارند و حال آنکه با وجود تمام مشکلات اقتصادی و مالی ملت ایران بهیچ قیمتی حاضر بقبول شرایط ناروا که باستقلال سیاسی یا اقتصادی یا خدای ناخواسته بحیثیت و شرافت ملی ایران لطمه وارد سازد تن در نخواهد داد.)

آتش در استودیو پارس فیلم

ساعت ۱۰ صبح روز پنجشنبه اول خرداد هنگامیکه کارگردانان استودیو پارس فیلم مشغول آزمایش فیلم بودند در نتیجه جریان قوی برق و گرم شدن زیاده از حد آپارات آتش گرفت و کارکنان متوحش شده بخارج گریختند و ماشینهای آتش نشانی فوراً بمحل رسیدند. خلیل کرد سرانی سرایدار استودیو بعلت سوختگی زیاد در همان وحله بیمارستان سینا اعزام و ۵ نفر از کارگردانان استودیو که دود گرفتگی داشتند بداروخانه های مجاور مراجعه و مداوا شدند. در این آتش سوزی ۷ عدد فیلم باسامی مادر، شرمسار، مستی عشق نادرشاه، سایه حرم، دزد عشق، گمراه که ۴ عدد آن تاکنون نشان داده نشده بود بکلی سوخته و بجا کستر تبدیل گردید. استودیو پارس فیلم یکی از بهترین استودیو های جدید فیلمبرداری مقیم تهران است که بمدیریت دکتر کوشان که شخص جدی و هنردوستی است اداره میشود و با وجود موانع ومشکلاتی که در راه انجام این نقشه بخصوص در ایران وجود دارد این دکتر خوش ذوق تا کنون پیروزی بیرون آمده است.

چگونه يك دوشیزه بیگناه بقتل رسید؟

قتل ریما، تهران را تکان داد

در اوایل اردی بهشت ۳۱ قتل فجیع و دلخراشی در آبادان بدست يك جانی قسی القلب و وحشی انجام گرفت که تهران وهمه شهرستانهای ایران را تکان داد و مردم همه بایی صبری تقاضای مجازات قاتل را داشتند.

ریما دختر زیبایی بود که پس از فارغ التحصیل شدن از آموزشگاه مامائی جهت خدمت به بیمارستان آبادان وارد شد و هنوز بیش از چهار ماه از مدت خدمت ری نگذشته بود که بسر نوشت شومی دچار گشت.

کسانی که در آبادان ریما را می شناختند می گفتند ریما دختری خوشرو و مهربان بود و همیشه وهمه وقت باجدیت بی نظیری در بخش زایمان بیمارستان مذکور انجام وظیفه میکرد. یکشب در حدود ساعت ۱۰ عبدالجبار فرزند حمزه را ننده اتومبیل شماره ۳۰ وی را بقصد منزل زانویی که قبلا بوسیله تلفن از دوشیزه ریما تقاضای عیادت کرده بودند سوار اتومبیل کرد ولی بجای اینکه خرمشهر منتهی میشود برده و در آن موقع شب که تاریکی و سکوت همه جا را فرا گرفته بود اتومبیل را متوقف ساخته و میخواست از وی کام دل بگیرد.

دوشیزه بدبخت که خود را در چنگال دیو شهوتران پست فطرتی اسیر یافت در صدد دفاع از ناموس خویش برآمد و عبدالجبار که موفق نشد منظور خود را عملی نماید باوی گلاویز گردید و وبالتالي ریما پشت دست او را گاز گرفت و صورت و گردنش را

یا ناخن زخم کرد و بطوری این حمله شدید بود که پس از معاینه جنازه مشاهده شد که ناخن های مانیکور شده دخترک از پشت برگشته و شکسته بود.

سرانجام عبدالجبار شکار خود را بیدترین وضعی بقتل رساند و به بیمارستان مراجعت کرد.

در همین موقع از منزل زائر مجدداً تلفن شد که چرا قابله نیامد و ناظم داخلی بیمارستان که از تأخیر ریما متعجب و متوحش شده بود درصدد تحقیق برآمد و همینکه چشمش بسر و صورت خونی راننده ای که ساعتی قبل ریمارا باخود برده بود افتاد از او پرسید چرا سر و صورتت خونی است. وی در جواب گفت در بین راه پاسبانی میخواست بزور سوار شود چون او را سوار نکردم مرا کتک زد.

ناظم بیمارستان در این موقع بطرف تلفن رفت که از فرمانداری نظامی برای کشف موضوع کمک بطلبید که عبدالجبار بسرعت با اتومبیل بطرف محل واقعه فرار کرد تا جنازه را برداشته بدریا بیندازد. در این موقع کارکنان بیمارستان با اتومبیل دیگری قاتل را تعقیب کردند و در محل حادثه وی را دستگیر نمودند.

جنازه ریمای بدبخت در کنار بیابان بوضع بدی افتاده شده بود چند جای سروصورت و پایش زخمی و خونین بود گوش چپش پاره شده و روی لگن خاصره اش جای دندانهای قاتل سیاه شده بود ولی پس از معاینه ای که از طرف طبیب قانونی بعمل آمد معلوم شد دخترک باشهامت تمام تا آخرین لحظه از ناموس خود دفاع کرده و قاتل شهوت پرست بعلت عدم موفقیت در اجرای نقشه شوم و شیطانی خود او را بقتل رسانده است.

آقای کاوس صاحب باز پرس شعبه ۳ دادسرای آبادان قرار توقیف عبدالجبار را صادر کرد و آقای خدا دادیان دادستان نیز با این قرار موافقت نمود.

قاتل در بازجویی گفت دوشیزه بابایان را نزدیک عمارت ۴۹۶ بریم پیاده کرده و اطلاع دیگری از او نداشتم و فوت او بر اثر تصادف اتومبیل بوده است. جنازه ریما بابایان مامای جسور و با شهامت را که جان خود را بر سر دفاع از ناموس خود گذارد بتهران آوردند و با تشریفات خاصی بخاک سپردند. در حالی که تمام مردم تقاضای مجازات فوری قاتل بیرحم را داشتند.

بگذار تا بگیریم

از سعدی

بگذار تا بگیریم چون ابر در بهاران

کز سنگ گریه خیزد روز و دایان

اگر گوشراب فرقت روزی چشیده باشد

داند که سخت باشد قطع امیدواران

با ساربان بگوئید احوال آب چشم

تا بر شتر بنند محمل به روز باران

بگذاشتند ما را در دیده آب حسرت

گریبان چو در قیامت چشم گناهکاران

ای صبح شب نشینان جانم بطاقت آمد

از بسکه دیرماندی چو نشام روزه داران

چندین که بر شمردم از ماجرای عشقت

اندوه دل نگفتم الا یک از هزاران

سعدی بروز گاران مهری نشسته بردل

بیرون نمی توان کرد الا بروز گاران

چندت کنم حکایت شرح اینقدر کفایت

باقی نمی توان گفت الا به غمگساران

چگونه دکتر مصدق بلاهه رفت

بامداد روز چهارشنبه ۷ خرداد دکتر محمد مصدق نخست وزیر ایران و همراهان با هوپیمای شرکت هواپیمایی (ك-ال-ام) بلاهه عزیمت کردند. شرکت مذکور چند روز قبل از نخست وزیر ایران تقاضا کرده بود که اجازه دهد برای مسافرت وی بلاهه يك هواپیمای لوکس را از هلند برای او اعزام دارند ولی نخست وزیر قبول نکرده بود و تمایل خود را جهت مسافرت بلاهه بایک هواپیمای ساده هلندی ابراز داشته بود جهت حفظ نظم و آرامش از ساعت ۲ بعد از نیمه شب در تمام خط سیر نخست وزیر مأمورین انتظامی قرارداداشتند.

عده زیادی پاسبان از چهارراه پهلوی تما میدان مجسمه شاه رضادردو طرف خیابان صف کشیده بودند و از میدان مجسمه تا فرودگاه مهرآباد نیز يك گان - ردژاندارم به فاصله معینی ایستاده بودند چند چیپ و موتورسیکلت شهربانی و فرمانداری



مصدق و رولن



هیئت نمایندگی ایران در دیوان دادگستری لاهه
در روز نطق دکتر مصدق

نظامی نیز مرتباً در طول راه بین منزل نخست وزیر تا فرودگاه مهرآباد در رفت و آمد بودند. ابتدا نخست وزیر تصمیم داشت که ساعت ۶/۵ صبح از منزل خارج شده و بفرودگاه مهرآباد برود ولی ساعت ۱۰/۵ شب ناگهان از منزل ایشان بشرکت (ك-ال-ام) اطلاع داده شد که آقای نخست وزیر تصمیم دارند ساعت ۴ بعد از نیمه شب بفرودگاه بروند.

البته جز نخست وزیر و بعضی از نزدیکان خصوصی کارکنان شرکت (ك-ال-ام) کس دیگری از این موضوع اطلاع نداشت و روز حرکت نیز بسیاری از رجال و نمایندگان مجلسین که برای مشایعت بفرودگاه مهرآباد رفته بودند تا موقعی که هواپیما می خواست پرواز کند از این جریان بی اطلاع بودند.

چگونه ابراز احساسات شد

هنوز هوا تاریک بود و بیش از چهار ساعت و نیم از نیمه شب نگذشته بود که يك اتومبیل چیپ در خیابان شاهرضا بحرکت

در آمد و این اولین دسته مشایعین بودند که ابراز احساسات می کردند و از پشت بلند گوی اتومبیلشان مرتباً این جملات در فضای آرام شاهرضا منعکس می شد (برو بروای مصدق که احساسات ملت ایران از خرد و کلان و پیر و جوان بدرقه راحت باد . برو بلاهه نشیمان بگو که چه بایران حق بدهید چه ندهید نفت ایران ملی شده) این شعارها ساکتین خانه های اطراف خیابان را بیدار کرده و به پشت پنجره کنار پیاده رو می کشید تا به بینند چه خبر است بتدریج متعاقب این چیپ چند اتوبوس حامل اصناف و افراد جبهه ملی اعضاء حزب ایران - افراد سومکا بترتیب بطرف فرودگاه بره افتادند و درحالی که شعارهای خود را بالای اتوبوس نصب نموده و پرچم سهرنگ ایران را باهتزاز در آورده بودند بافریاد زنده باد مصدق پیش می رفتند .

فرودگاه مهر آباد در اینروز مملو از سرباز و پاسبان و قوای انتظامی بود از در بزرگ فرودگاه دسته های مشایعت - کنندگان را بداخل فرودگاه راه نمیدادند و اغلب جلوی اتومبیل وزراء و حتی مسافرین را هم می گرفتند و پروانه ورودی طلب می کردند . بهمین جهت داخل حیاط فرودگاه تقریباً خلوت بود و عده ای هم که از این موانع گذشته و وارد محوطه پشت عمارت اداره هواپیمائی شده بودند باز مورد کنترل قرار می گرفتند يك سرهنگ شهربانی مشایعت کنندگان را بدوقسمت تقسیم میکرد وزراء - سناتورها - و مسافرین را به یکطرف و سایر مشایعت کنندگان را بطرف دیگر راهنمائی می نمود . خوشمزه این بود که این مأمورین وزراء و نمایندگان را نمی توانستند تشخیص بدهند و اغلب بایک چوب همرا می راندند .

هنگامی که آقای رام وزیر کشور وارد شد جلوی او راهم گرفته و می خواستند نگذارند بمحوطه فرودگاه برود. وزیر کشور مرتباً می گفت (آقا من رام هستم) افسر مأمور هم با کمال ادب و

شیرین زبانی جواب میداد که چون شما شخص فهمیده و از طرفی (رام) هستی اینست که خواهش میکنم بفرمائید آنطرف .

بالاخره در این گپ و دار سر تپ دانش پور معاون شهربانی رسید و بهمکار خود فهماند که آقای (رام) اسمش رام است و وزیر کشور است .

آقای و ارسنه وزیر دارائی که چند قدم عقب تر از رام می آمد همیشه دید هوا پس است و مأمورین از اسم اشخاص چییزی دستگیرشان نمی شود در حالی که مرتباً می گفت (من وزیر دارائی هستم)

عده از قضاة دیوان دادگستری لاهه

جلومی آمد والحمدلله دروزیر دارائی بودن ایشان کسی تردید نکرد و مانعشان نشدند .

از ساعت ۵ بامداد تاهنگامی که هوا پیمای حامل نخست وزیر پرواز کرد مرتباً از طرف جوانان شعار داده می شد. ساعت ۶/۵ بعد از نیمه شب بود که یکی از کارمندان گمرک خیز داد نخست وزیر از ساعت ۴ بعد از نیمه شب بفرودگاه حرکت کرده و در



هوایما خوابیده است. این خبر موجب تعجب کلیه حضار گردید زیرا هیچکس فکر نمیکرد که نخست وزیر در آن موقع شب به فرودگاه بیاید و داخل هوایما بخوابد. بالاخره پس از آنکه معلوم شد آقای دکتر مصدق داخل هوایما خوابیده است عکاسها و خبرنگاران بطرف هوایمای ك - ال - ام که در وسط محوطه فرودگاه دور از انظار مردم ایستاده بود هجوم بردند ابتدا مأمورین پلیس مانع می شدند ولی بعد با اصرار و خواهش زیاد آنها بچند نفر عکاس وعده معدودی از مشایعت کنندگان اجازه داده شد که به هوایما نزدیک شوند و از نخست وزیر و سایر اعضاء هیئت عکس بگیرند. کم کم عده ای دیگر از مشایعت کنندگان اصرار داشتند که داخل هوایما شوند ولی پلیس هلندی با این امر موافقت نکرد و بالاخره نخست وزیر ناچار شد که بجلوی پلکان هوایما بیاید هنگامی که برخاست و جلو در هوایما آمد يك عصای مشکی رنگ در دست داشت و بدون کمک شخص دیگری حرکت می کرد.

پیام کوتاه نخست وزیر

نخست وزیر جلوی هوایما چند بار دستش را بعنوان احترام و تشکر روی چشم گذارد و چنین گفت (من از محبت شما خیلی متشکرم و هیچ راضی بزرحمت شما نبودم امیدوارم بتوانم آرزوی ملت ایران را در این سفر انجام دهم)

عده ای که در پای هوایما ایستاده بودند کف زدند و ابراز احساسات کردند. نخست وزیر در این موقع بغض گلویش را گرفت و چیزی نمانده بود که گریه کند ولی آقای صالح اورا بداخل هوایما برد و در جایش نشاند.

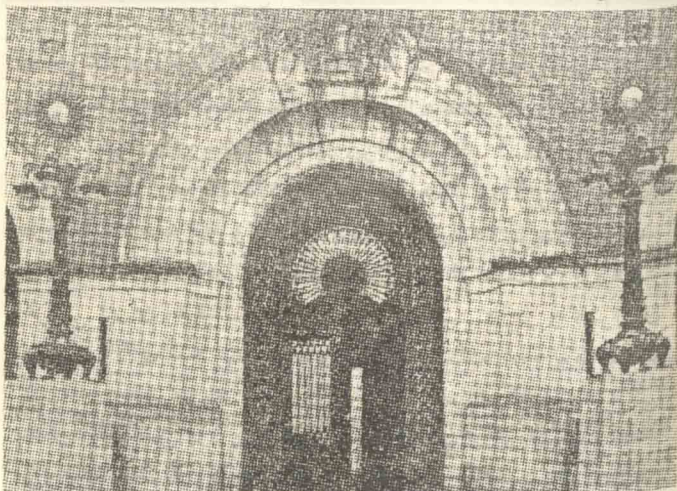
پلیس هلندی

برای حفاظت جان نخست وزیر از طرف دولت هلند يك کار آگاه مجرب و مشهور بین المللی بنام (ویزمار) با هوایمای شرکت (ك - ال - ام) چند روز قبل زحرکت نخست وزیر بلاهه

بتهران آمده بود او تمام جامه و اثاثیه مسافرین هوایما را بازدید کرد و ضمن آن دو نفر مأمور فوق العاده از طرف شرکت هوایمای (ك - ال - ام) بتهران اعزام شده بودند تا همیشه مراقب هوایما و جان دکتر مصدق باشند.

دروزر حرکت دکتر مصدق بلاهه يك ظرف چینی ساخت هلند که در آن مقداری (خاک ایران) ریخته شده بود و از طرف نمایندگان شرکت (ك - ال - ام) در تهران و يك پرچم سه رنگ ایران که علامت (ك - ال - ام) روی آن دیده می شد از طرف شرکت به نخست وزیر هدیه گردید.

هنگامی که آقای (کورامبد) نماینده شرکت مز بوراین ظرف را نخست وزیر تقدیم کرد نخست وزیر از او پرسید داخل این ظرف چیست توضیح داده شد خاک پاک ایرانست. در این هنگام



در ورودی کاخ صلح

دکتر مصدق ظرفرا جلوی صورت برد و آنرا بوسید بطوری که صورتش خاک آلود شد و سپس گفت (من بفدای خاک ایران)

تختخواب مخصوص

در داخل هواپیمای مزبور که ظرفیت ۴۰ نفر را داشت دو تختخواب قرار داده شده بود که یکی از آنها مخصوص نخست وزیر و دیگری برای دکتر فاطمی بود. در روی تختخواب نخست وزیر یک کیف و مقداری اوراق دیده می شد و یک جامه دان بزرگ سیاه رنگ هم که محتوی اوراق و اسناد لازمه بود در زیر تخت خواب نخست وزیر قرار داشت.

حرکت هواپیما

ساعت ۷ و ۱۵ دقیقه بود که موتورهای هواپیمای چهار موتوره هلندی یکی پس از دیگری بغرش درآمد و طولی نکشید که حرکت کرد. هواپیما چند صد متر بغرب رفت و سپس برگشت و بر سرعتش افزود و آنگاه از روی زمین برخاست و از روی سر جمعیتی که در فرودگاه جمع شده بودند چرخ می زد و راه ترکیه را پیش گرفت و چند لحظه بعد از انتظار ناپدید شد.

هواپیمای هیئت اعزامی ایران پس از گذشتن از کشورهای مختلف در ساعت ۱۱/۵ بعد از ظهر همان روز (بوقت تهران) بفرودگاه آمستردام وارد و بلافاصله بسوی لاهه عزیمت نمودند. در فرودگاه عده زیادی از شخصیت های مهم از نخست وزیر و هیئت اعزامی ایران استقبال نمودند. آقای نخست وزیر و همراهان در هتل پالاس که بهمین منظور اختصاص داده شده بود اقامت گزیدند. هیئت نمایندگی ایران تا روز ۱۹ خرداد که روز رسیدگی بشکایت انگلیس بود پیوسته برباست نخست وزیر تشکیل جلسه می داد و در اطراف لایحه دفاعیه ایران ورد صلاحیت دادگاه لاهه در خصوص رسیدگی بقضیه نفت بشور و مشورت می پرداختند روز ۱۹ خرداد در ساعت ۱/۵ بعد از ظهر جلسه دادگاه لاهه برباست



نماینده (سالوادر) تشکیل شد و نخست وزیر ایران نیز ۲۰ دقیقه قبل از افتتاح دادگاه بوسیله اتومبیلی که از طرف دولت هلند در اختیارش گذارده شده بود و پلیسهای موتورسوار آنرا احاطه نموده بودند بسوی (کاخ صلح) حرکت کرد و بدادگاه وارد شد. دکتر مصدق در موقع ورود بدادگاه لباس ژاکت پوشیده و عصائی بدست داشت هیئت نمایندگی ایران در جلسه دادگاه درست مقابل نمایندگان انگلیس قرار گرفتند و پس از آنکه رئیس از آقای دکتر مصدق تقاضا کرد بمدافعات خود بپردازد آقای نخست وزیر پشت میز خطابه رفت و بزبان فرانسه سلیس به رد شکایت واهی و بی اساس دولت انگلیس پرداخت و در حالی که هر دو دست را مشت کرده و تکان میداد سخت بدولت انگلیس حمله کرد و از خرابکاریهایی که دستگاه جاسوسی انگلستان (انتلیجنت سرویس) در عرض سالهای متمادی در ایران انجام داده بود سخت

شکایت نمود.

دکتر مصدق در عرض یکساعت نطق خود فجایع انگلیسها در ایران و اعزام چتر باز و کشتی جنگی از طرف آنها را از جلسه دادگاه بگوش مردم جهان رسانید و در پایان نیز دادگاه لاهه را صالح برای رسیدگی بقضیه نفت ایران و شکایت انگلیس ندانست و بهمین منظور نیز در پایان جلسه يك قراردادش قسمتی از طرف یکی از اعضای نمایندگی ایران قرائت و از دادگاه تقاضا شد که این نکات را اعلام دارد:

۱- دولت انگلیس هدف خود را آنطوری که در تقاضای اصلی خود اعلام داشته بود تغییر داده است و باید ادعاهای دولت انگلیس را غیر قابل قبول اعلام کند زیرا دولت انگلیس از دادگاه تقاضا کرده است که دولت ایران را محکوم سازد هم چیران خسارات شرکت سابق را بنماید. در همین حال تقاضای بازگشت اموال کمپانی مز بوررا کرده است و تصمیم درباره غرامت مورد تقاضا بوسیله میانجیگری اتخاذ گردد.

۲- دادگاه باید بعدم صلاحیت خود رأی دهد.

۳- صلاحیت دادگاه در مواردی است که بین طرفین در آن موارد توافق حاصل باشد.

۴- ادعاهای انگلیس موافق با تعهدات دولت انگلیس نیست.

۵- ادعای انگلیس برای پرداخت خسارت قابل قبول نیست زیرا شرکت سابق از انجام مقرراتی که قانون گذاری ایران تصویب کرده سر باز زده بود.

۶- مشور ملل متحد نیز مانند مقررات جامعه ملل گذشته که میگفت دادگاه در مسائلی که علی الاصول و الزاماً مربوط به قضاوت و حقوق داخلی ملی است صلاحیت ندارد و در این امر تأویل و تعبیر گردد.



دیوان

دادگستری

لاهی



عده

دیگری

از قضات

جلسه این روز دادگاه ۳ ساعت و نیم بعد از ظهر بوقت تهران پس از آنکه آقای پروفیسور (رولن) وکیل مدافع ایران قرار ۶ ماده ای ایران را قرائت کرد تعطیل شد. دومین جلسه دادگاه مجدداً در همان روز در ساعت ۵ و چهل دقیقه بوقت تهران تشکیل شد و آقای پروفیسور رولن با بیانی محکم و استوار شروع بدفاع از طرف ایران کرد و دادگاه لاهه را صالح برای رسیدگی بشکایت انگلیس ندانست.

نطق محکم و مستدل پروفیسور رولن تا روز چهارشنبه ۲۱ خرداد ادامه داشت و بقدری متین و منطقی بود که نمایندگان انگلیس برای تهیه پاسخ آن چند روز وقت خواستند و این بیانات بیشتر قضات دادگاه را تحت تأثیر خود قرارداد.

از روز جمعه ۲۳ خرداد نوبت پاسخ نمایندگان انگلیس رسید و (هیلد) دادستان کل انگلستان طی سه جلسه مطالب خود

را گفت و بقیه مدافعات را به سر (اریک بکت) واگذار نمود.

سر (اریک بکت) نیز تاروز ۳شنبه ۲۷ خرداد بمدافعات خود در دادگاه ادامه داد. آنچه از بیانات نمایندگان انگلیس مفهوم گشت منظورشان این بود که اولاً با حيله سیاسی بطوری دادگاه را تحت نفوذ خود در آورند که قضات دادگاه صدوررأی را بتعویق اندازند و ایران از این بلاتکلیفی بیحران مالی سخت دوچار شده و دوباره دست بسوی انگلستان دراز کند و در ثانی اصل ملی شدن صنعت نفت را که در سابق شناخته اند پس بگیرند. پس از مدافعات پوچ و بی اساس نمایندگان انگلیس نوبت بدفاع نماینده ایران رسید و آقای پروفیسور رولن از روز بعد (چهارشنبه ۲۸ خرداد) بمدافعات سرسختانه خود در پاسخ نمایندگان انگلیس پرداخت. پروفیسور رولن در نطق خود با برهان و منطقی قوی قرارداد ۱۹۳۳ را تحمیلی دانست و اظهار داشت بریتانیا در طی استدلالات خود از هدف اصلی منحرف شده است.

وی خاطر نشان نمود که در ابتدای امر بریتانیا از جهت ملی شدن صنعت نفت تقاضای جبران کرد ولی پس از آن تقاضای استرداد کلیه صنایع ملی شده را نمود. پروفیسور رولن همچنین دادگاه لاهه را جهت رسیدگی بقضیه نفت ایران که يك امر داخلی است صالح ندانست و ازدادگاه تقاضا کرد که بعدم صلاحیت خود در این باره رأی بدهد تا در محافل قضایی جهان حسن اثر بخشد. اظهارات و کیل مدافع ایران تاروز پنجشنبه ۲۹ خرداد ادامه داشت و از روز شنبه ۳۱ خرداد سراریک بکت نماینده انگلیس برای آخرین بار بمدافعات غیرقانونی خود در پاسخ ادله و براین محکم نماینده ایران پرداخت. در نطق دفاعیه نماینده ایران بطول انجامید. سراریک بکت در آغاز نطق خود از اینکه نمایندگان ایران و انگلیس در روابط خود ادب را رعایت کرده اند اظهار

تشکر کرد و سپس سخنانی در باره صلاحیت دادگاه لاهه در موضوع رسیدگی بقضیه نفت ایران و شناختن موقتی اصل ملی شدن نفت ایران از طرف انگلیس ایراد نمود و پایان از دیوان لاهه دعوت نمود که ملاحظاتی سیاسی را در تصمیم خود راه ندهد و طبق قوانین بین المللی صدوررأی اقدام نماید.

آخرین جلسه دادگاه با ختم نطق

نماینده انگلیس در روز ۲ تیرماه خاتمه یافت و نمایندگان ایران و انگلیس دادگاه لاهه را ترك گفتند تا قضات دادگاه پس از شور و دربرامون ادعای نمایندگان طرفین تاریخ اعلام رأی را که مربوط بصلاحیت و یا عدم صلاحیت دادگاه لاهه در موضوع رسیدگی بقضیه نفت ایران و شکایت انگلیس است تعیین نمایند.

آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر صبح روز سه شنبه



مجلس شورای عالی
تاریخ: ۲۹ خرداد ۱۳۳۳
محل: تهران

۳ تیرماه به تهران وارد شدند و بلافاصله بحضور شاهنشاه شرفیاب گشته و اقدامات هیئت اعزامی ایران را بعرض رسانید.
نکته شایان توجه اینکست وزیر ایران در آخرین روز اقامت خود درلاسه یعنی در همان روزی که نماینده انگلیس بنطق دفاعیه خود ادامه میداد جلسه مطبوعاتی مفصلی در لاهه باحضور کلیه خبرنگاران خارجی تشکیل داد و آوای حقانیت ایران را توسط این خبرنگاران بسمع مردم جهان رسانید.

آقای دکتر مصدق در مدتی که در لاهه بسر میبردند بحضور علیاحضرت ملکه ژولیاننا ملکه هلند باریافتند و چند قطعه قالیچه اهدائی ایران را تقدیم ملکه نمودند.
همچنین آقای دکتر مصدق در مدت اقامت خود در هلند با اغلب رجال و شخصیتهای برجسته آنکشور ملاقات کردند و ایران و ایرانی را چنانکه شایسته است بمردم هلند شناساندند.

از شاعره ناکام گل پژمرده پروین اعتصامی
لاله ای بانرگسی پژمرده گفت

بین که مار خساره چون افروختیم
گفت ما نیز آن متاع بی بدل
شب خریدیم و سحر بفروختیم
آسمان روزی بیاموزد ترا
نکته هائی را که ما آموختیم
خرمی کردیم وقت خر می
چون زمان سوختن شد سوختیم
تا سفر کردیم بر ملک وجود
توشه پژمرده گی انداختیم
درزی ایام زان ره می شکافت
آنچه را زین راه ما میدوختیم

فاروق

پادشاه عیاش مصر

بدست ملت از سلطنت خلع شد



بامداد چهار شنبه اول مرداد ۱۳۳۱ شهر قاهره پایتخت کشور باستانی مصر شکل دیگری بخود گرفته بود در تمام خیابانها تانگ و توپ و زره پوش در حال حرکت بود و از درود یوار کوچه و بازار شهر سر باز و افسر میر یخت علت این تغییرات ناگهانی خلع ملک فاروق پادشاه عیاش و بی بند و بار مصر بود که در نیمه شب همین روز بدست یکنفر ژنرال اصلاح طلب مصری بنام ژنرال نجیب وهمکارانش صورت گرفته بود.

فاروق پادشاه سابق مصر

ملک فاروق در خوا بگناه مجمل خویش در کنار همسر دلبندی

که او را چندی پیش بزور از چنگ نامزدش بیرون کشیده و با او عروسی کرده بود در خواب عمیقی بسر میبرد که واحدهای نظامی تحت فرماندهی سرهنگ نجیب بیک با تانکهای سبک و متوسط

وارد کاخ سلطنتی شده و محوطه کاخ را در محاصره گرفتند .
 نورایمان صادق که نامزد خود را بفاروق فروخت و جاه و جلال دستگاہ سلطنتی مصر اورا خبره کرده بود در اثر رفت و آمد و صداهای بی موقعی که از خارج کاخ بگوش می رسید از خواب بیدار شد و فاروق نیز پس از او بلافاصله از خواب پرید و از علت داد و فریاد و سروصدای خارج کاخ جو یاشد ولی وقتی که از حقیقت امر مستحضر شد یکبارہ خود را باخت و چند مرتبه چشمان خود را با فشار مالید و سپس با عجله زیادتری لباس خود را پوشید و بیخواست که از کاخ خارج شود که علی ماهر پاشا رسید و در حدود ۲۰ دقیقه با وی مشغول صحبت شد . در این موقع ملک فاروق که همه چیز را فهمیده بود در نزد ماهر پاشا بتضرع و التماس افتاد و فوراً فرمان فیله مارشالی (سپیدی) برای سرهنگ نجیب بیک صادر کرد ولی وقتی علی ماهر پاشا از نزد شاه خارج شد و جریان را برای سرهنگ نجیب شرح داد پاسخ شنید که ناچار شاه باید از سلطنت استعفاء دهد و برای همیشه بنفع فرزند ۷ ماهه اش ملک فواد این مقام را ترک گوید و ملت غیر از این هیچ امر دیگری را نمی پذیرد .
 فاروق ناچار پس از یک عمر عیاشی و بیفکری از حال ملت مصر از سلطنت استعفاء داد و همان روز از اسکندریه بکشتی سوار شد و باتفاق زن و بسر ۷ ماهه اش و دو دختر خود که یکی ۱۴ و دیگری ۱۲ سال داشت کشوری را که سالیان دراز در آن باعش و عشرت بسر برده بودند ترک گفتند .
 پادشاه مخلوع مصر از میان آنهمه اشیاء گرانبها که در کاخهای خود داشت ۲۰۰ جامه دان لباس و جواهرات اختصاصی نورایمان و سایر اشیاء شخصی خود را با اجازه سرهنگ نجیب بکشتی برد و در موقع حرکت فقط چهار افسر پلیس و دو افسر گارد شاهی در کشتی با او سوار شدند . موقعی که کشتی می خواست ساحل اسکندریه را ترک کند فاروق نتوانست از فرو ریختن اشک چشم

خویش جلو گیری کند تا لحظه ای که کشتی ساحل را ترک می کرد تمام اسکندریه و کاخهای اختصاصی را سربازان در محاصره داشتند همان لحظه اعضاء خانواده سلطنتی و خواهران شاه از جمله شاهدخت فوزیه تحت نظر قرار گرفتند و عده ای از امرای ارتش نیز دستگیر شدند .

کودتای سرهنگ نجیب با پشتیبانی و همکاری ملت مصر صورت گرفت و عموم مردم آنکشور از بروز این کودتا خوشحال و خندان بودند و در همه جا برای سرهنگ نجیب رهبر کودتا کف میزدند .

سرهنگ نجیب بلافاصله بتصفیه ارتش مصر از افراد فاسد و عناصر ضد ملی پرداخت و تمام کسانی را که در اقتضای خرید اسلحه و شکست ارتش مصر با یهودیهای فلسطین دست داشتند توقیف کرد و آنها را تحت محاکمه کشید .

پیک پیر مرد ۱۶۵۵ ساله

ایرانی با دختر

۱۷ ساله ازدواج کرد

در میان مردم شهرستانها و در بین عشایر و ایلات جنگجو و تندرست ایران اغلب زنان و مردان کهنسال و پیری پیدا می شود که طرز حرکات و نیرومندی آنها در این سن باعث تعجب و تحیر دیگران می گردد و یکی از این پیر مردهای خارق العاده سید محمد علی بختیاری است که در یکی از نقاط خوش آب و هوای بختیاری زندگی میکند و بقول خودش تا کنون ۱۸ زن گرفته و ۱۳ پسر و دو دختر او نیز فوت گردیده و با وجود این فعلا دارای ۲۱ پسر و پنج دختر می باشد .

وقتی که سن او پرسیده شد باخونسردی خاصی جواب داد ۱۶۵ سال دارد و هنوز در این سن نیز آرزوها و رؤیاهای شیرینی در سر می‌پروراند. سید محمد علی در حالی که باچشمان پرفروغ و درخشانش که حاکی از صحت و سلامتی او بود، بنا نگاه می‌کرد گفت سر خوشبختی و تندرستی هر کس بسته باین است که از مشروبات الکلی و دخانیات دوری گزیند و من در این مدت عمر خود حتی برای یکمرتبه نیز مشروب نخورده و دخانیات مصرف نکرده‌ام.

یکروز که سید محمد علی در منزل فرج‌الله خان مالک قریه مهمان بود با کمال تعجب مشاهده شد که محمد حسین کدخدای فرج‌الله خان سینی بزرگی را که بکمک یک نفر دیگر حمل میکرد و در توی آن یک گوسفند بخته بوزن ۱۲ کیلو باضافه چهار کیلو نان بود جلوی سید محمد علی گذارد و سید محمد علی نیز تمام آنرا باضافه یکقدح بزرگ دوغ و ده پانزده دسته پیاز با اشتهای تمامی خورد و پس از آن سرش را با آسمان بلند کرد و گفت خدایا به آقا محمد حسین برکت بده.

از همه تعجب آورتر این است که این پیرمرد ۱۶۵ ساله در فن تیراندازی نیز بسیار ماهر و بی نظیر است و موقعیکه سرتیپ شاهنده در مناطق بختیاری مسابقه تیراندازی تشکیل داده بود او نیز در این مسابقه شرکت کرد و در میان تعجب تمام حضار و سرتیپ شاهنده در اولین دفعه تیر خود را به هدف زد و جایزه را برد.

سید محمد علی در این اواخر یا دختر ۱۷ ساله ای بنام بی بی حوا که از اهالی همان نقاط می باشد ازدواج کرده و مانند یک جوان ۳۰ ساله طرح زندگی نوینی را آغاز کرده است و معلوم نیست دوباره هوس داماد شدن و عروسی جدیدی را در نظر دارد یا خیر.

ستارگان درخشان

در آسمان موسیقی ایران

ایران کشور ذوق و هنر و پرورش دهنده

استعدادهای مختلف است

سالهاست که یکمده از هنرمندان ایران جهت توسعه و



ترویج موسیقی ملی ما از هیچگونه کوشش و فداکاری فروگذار نمیکنند و با اینکه اولیاء وزارت فرهنگ باین امر مهم که محرک ذوق و احساسات اطفال و جوانان ایران است هیچ گونه توجهی ندارند، معینا این هنر - مندان عالی قدر در قبال وظیفه که جهت تربیت نسل های آینده کشور بعهده گرفته اند

استاد علیتقی وزیری پدر موسیقی

نویسنده ایران

هیچگونه مضایقه و سستی روا نمی‌دارند.
به‌مین جهت جای بسی خوشوقتی است که اکنون در آسمان
وسیع موسیقی ایران ستارگان درخشانی پرتوافشانی میکنند که
هرگز خاموش نخواهند شد.

آقای علینقی وزیری پدر موسیقی نوین ایران از شخصیت
های برجسته است که خدمات ذقیمت و گرانبهای بموسیقی ملی
ما نموده و آنرا از انحطاط حتمی نجات داده‌اند زیرا آنروزیکه
این استاد ارجمند قطعات و آهنگهای ایرانی را برای اولین بار
بصورت نوت در آورد و از لحاظ ارزش علمی بی‌پایه موسیقی کشور
های مترقی رسانید موسیقی ما در حال زوال و انهدام بود.

استاد وزیری در سال ۱۲۶۶ در تهران متولد شده و قسمت
اعظم عمر خود را در خدمت بموسیقی ملی ایران گذرانیده است و
کتاب متعددی جهت پیشرفت موسیقی در ایران و آشنائی علاقمندان
بروش نوین موسیقی نگاشته است که بسیار مورد استفاده و توجه
هنردوستان قرار گرفته است.

استاد وزیری در اواخر جنگ بین‌الملل اول سفری باروپا
کرد که مدت پنجسال بطول انجامید و در این مدت هنرستان‌های
عالی موسیقی پاریس و (هوخسول) آلمان را طی کرد و در سال
۱۳۰۲ که بموطن خود ایران بازگشت مدرسه عالی موسیقی را
در تهران دایر نمود و شاگردانی در این هنرستان تربیت کرد که
امروز هر یک استادان قابل و ورزیده بشمار می‌روند.

وزیری ستاره درخشان و فروزان آسمان وسیع موسیقی
ایران است و اگر روزی در این کشور قدر هنر و هنرمندان را
آنچنانکه شایسته است گرامی دارند با استعداد و ذوق عجیبی که
در ایرانی نهفته است امثال استاد وزیری ها بیش از پیش به‌نر
خود دلگرم خواهند شد ولی افسوس که.....

آقای روح‌الله خالقی

يك قیافه ساکت و آرام و
در عین حال دوست‌داشتنی
يك روح هنر دوست و يك
فکر بلند، و بالاخره دو
چشم نافذ و شاعرانه
باضافه يك عینک دودی
قشنگ قسمتی از مشخصات
مرد متینی را تشکیل می
دهد که امروز ریاست
هنرستان موسیقی را به‌عهده
دارد. آقای خالقی در
۱۸ سالگی وارد مدرسه



عالی موسیقی شده و دروس این مدرسه را در محضر استاد گرامی
خود آقای علینقی وزیری بیابان رسانیده است. آقای روح‌الله
خالقی برای حفظ و توسعه موسیقی ملی ایران تاکنون کوششهای
زیادی بکار برده و زحمات فراوانی را متحمل شده است و با تأسیس
انجمن و هنرستان موسیقی ملی بزرگترین خدمت را بعالم علم و هنر
و بخصوص بموسیقی ملی ایران نموده است. قطعات و آهنگهای
شیرین و جاذبی که امروز از این استاد در کتب مختلف بچاپ رسیده
است نمونه از ذوق و ابتکار و زبردستی آقای خالقی در فن آهنگ
سازی است و شما ممکن نیست قطعات ساخته شده (آرزوی دل)،
(لاله خونین)، (شب هجران)، (بهار عاشق)، (آه سحر)، و بخصوص
قطعه معروف و جذاب (حالا چرا) را ببینید و شیفته مهارت و هنرمندی این
استاد نگردید. آقای روح‌الله خالقی معتقد است با تأسیس هنرستانها
و مؤسسات هنری بایستی از اول عواطف نیکو و عالی در اطفال
ایجاد کرد و ذوق و احساسات کودکان را با موسیقی پرورش داد

تا در نتیجه روح نشاط و خوش بینی در آنها ایجاد شده و مردانی سالم و امید وار بآینده تحویل جامعه گردند و این روح یأس و خمودگی که امروز در ملت ما رسوخ یافته است میتوان بدینوسیله برطرف کرد. بهمین نظر بود که عشق و علاقه هنری و فکر بلند این استاد سالهاست که کانون مشتعل و فروزانی از علم و هنر بوجود آورده است و در آن محیط پراز صفا و صمیمیت دختران و پسرانی خرم و بانشاط و هنرمند تربیت میشوند. ماموقیت آقای روح الله خالقی را در این گونه خدمات گرانبهای هنری و اجتماعی از خداوند خواهانیم.



آقای ابوالحسن صبا

هر جا نام آقای ابوالحسن صبا برده می شود بی اختیار انسان بیاد دو چیز می افتد اول کلمه (استاد) که باید در اول اسم ابوالحسن صبا اضافه شود دوم کلمه (سجارودلنواز) که بایستی در وصف نواختن ساز این استاد گفته شود.

آقای ابوالحسن صبا در سال ۱۳۲۱ هجری در تهران متولد شده و هنوز بیش از ۷ سال نداشت که نزد پدرش ابوالقاسم کمال السلطنه بتعلیم سه تار پرداخت و پس از آن نیز مدت ۳ سال دیگر نزد میرزا عبدالله که از موسیقی دانهای معروف آن عصر بود در تعلیم همین ساز کار کرد و سپس مدتی نزد میرزا علی اکبر شاهی بتعلیم سنتور پرداخت و برای اولین مرتبه ویولن را برای مدت یکسال نزد هنک آفرین تعلیم گرفت و امروز استاد در اغلب سازها مهارت و زبردستی کامل دارد و نغمات دلکش و بنجه شیرین و سحر آسای صبا معروفیت بخصوصی کسب کرده است. کلاسی را که استاد صبا از سال ۱۳۱۰ شمسی دایر نموده تا کنون باز و شاگردان هنرمند و قابلی تربیت کرده است.

آقای موسی معروفی

در سال ۱۲۶۸ شمسی در تهران متولد شده و تحصیلات اولیه خود را (در رشته موسیقی) نزد درویش پاپیان رسانیده و سپس در نزد هنک آفرین بیاد گرفتن (نت) پرداخته است. آقای موسی معروفی مدت دو سال نیز در پدو تاسیس مدرسه عالی موسیقی در محضر استاد علی تقی وزیری بکسب هنر مشغول بوده است جای تعجب نیست اگر بدانید امروز این استاد عالیقدر در هنرستان



موسیقی ملی بتدریس در رشته تار و سه تار اشتغال دارد زیرا هنرمندان در هر مقام و مرتبه (از لحاظ هنر) که باشند متعلق به جامعه اند. استاد معروفی بسیار متواضع و فروتن است و همیشه چهره متبسم و گشاده دارد و شرح خدمات گرانبهای او بعالَم موسیقی بیش از آن است که در این مقاله بگنجد.

آقای مهدی مفتاح



معاون هنرستان موسیقی ملی و عضو هیئت مدیره انجمن موسیقی ملی در سال ۱۲۸۸ متولد شده و مدرسه عالی موسیقی را با موفقیت تمام پایان رسانیده و پس از طی دوره دانشسرای عالی وارد خدمت دولت در وزارت فرهنگ گردیده است ولی اکنون مدتیست بنا به پیشنهاد و دعوت آقای خالقی در هنرستان موسیقی ملی بسمت معاونت و دبیر انگلیسی اشتغال دارند.

آقای مهدی مفتاح یکپارچه ذوق و احساسات است و شما ممکن نیست در اولین برخورد شیفته و فریفته اخلاق و رفتار این هنرمند گرامی نگردید.

کسانی که بقسمت برنامه های جالب و متنوع موسیقی رادیو تهران توجه دارند آقای مهدی مفتاح را بخوبی میشناسند زیرا این هنرمند جوان از بدو تأسیس رادیو تاکنون بهترین آهنگها و دلکش ترین نغمه ها را بوسیله ویلن خود بگوش دوستداران موسیقی رسانیده اند.

ایران سرزمین ذوق و هنر



مرحوم درویش

ایران سرزمین رشد و ترقی ذوق و استعدادها و مختلف است و اگر میبینید با وجود موانع و مشکلات بیشمار باز هم هنرمندان بتشکیل انجمنها و مجامع هنری و دانشمندان با حداثت و تأسیس کانون های علم و دانش می پردازند. روی اصل طبع هنر دوست و روح دانش پژوه ایرانی است که در طلب علم و هنر هرگز خاموش نخواهد گشت و چون امواج خروشان اقیانوس ها بهر سمتی روان است.

درست است که هنرمندان کشور ما از عدم توجه اولیاء مربوطه و عوام فریبی های یکمشت مردم بیسواد و نادان در باره تقییر ارزش هنر شکایتها و گله های بیشماری دارند ولی این ابر های تیره و تاریک بپوشش در آسمان صاف و شفاف ایران نخواهد ماند و دنیای قرن اتم نیز بزمان عهد حجر و بربریت برگشت نخواهد کرد.

این انسان است که با زمان پیش میرود و هر نامساعدی را طبق پیشرفت زمان مساعد میسازد. وقتی که در کشور ما هنرمندانی

چون آقایان :
حبيب الله شهردار
(مشير همايون) ،
جواد معروفی ،
مرتضى محجوبی ،
ابراهيم منصورى ،
حبيب سماعى ،
حسينعلی وزیری -



قبار، نصرالله زرين

آقای جواد معروفی
پنجه ، احمد عبادی ، حسين استوار بوجود می آیند چگونه میتوان
آتیه درخشانتر موسیقی ایران را پیش بینی نکرد .

در میان هنرمندان امروز موسیقی ما آقای حسینعلی ملاح
رئیس موسیقی رادیو و مدیر روزنامه زنگ نویسنده قابل شمار
می رود و شما میدانید وقتیکه هنر و قلم در یکجا و در اختیار يك
شخص باشند غوغائی بر پا می کنند . آقای ملاح کتب بسیاری در
باره موسیقی دنیای کشورهای مختلف و شناختن سازها و غیره
نوشته اند که بسیار جالب توجه میباشد و اگر روزی دولتی هنردوست
و هنر پروردار ایران پیدا شود قدر خدمات گرانبهای این نوع استادان
را بنحوشایسته خواهد شناخت ، ولی افسوس چیزیکه امروز در
این کشور اصلا وجود ندارد توجه اولیاء امور و دولتهای خواب
آلود وقت بتشویق هنرمندان است .

جای تعجب است دردیائی که حتی بیماران و مبتلایان به
امراض روحی بوسیله موسیقی درمان می شوند و دولتهای بیگانه
هر ساله مبلغ گزافی برای توسعه این امر خرج میکنند و لتهای
عوام فریب و کوته فکر ما کمترین توجهی بتوسعه این هنر و تشویق
استادان و هنرمندان موسیقی ملی ما ندارند .
امروز که کشور ما بیش از هر زمان دیگر گرفتار مصائب

و گرفتاریهای بیشمار است ملت ما بیش
از هر موقع دیگر احتیاج باصلاح روحیه
متزلزل و خسته خود بوسیله موسیقی
دارد .



فرزندان و نوباوگان ایران بایستی
باچهره شاد و خندان و قلبی مملو از
شوق و شغف که لازمه هر ملت زنده است
تربیت شوند تا فردا ، فردائی که از آن
بوی امید و آزادی می آید بتوانند در
جهان پر صلح و صفا با روح پر نشاط
و آرام زیست کنند و این امر وقتی میسر

آقای حسینعلی ملاح
است که بجای این قیافه های خسته و
خمود ، قلبیهای شاد و مسرور و چهرههایی پر نشاط و درخشانده با
اشاعه و تزویج موسیقی در بین مردم بوجود آوریم .
از تئودور اشتورم
ترجمه آقای شجاع الدین شفا

شهر

ساحل تیره و دریا آشفته است . شهر از دور منظره ای مبهم
و نیمه تاریک دارد . مه غلیظه همه بامهارا فرا گرفته . در میان خاموشی
صدای غرش یکنواخت امواج دریا بگوش میرسد .
هیچ صدائی از جنگل بر نمیخیزد ، هیچ نغمه ای از جانب
پرندگان که هر بهاران بدیدار این سرزمین می آیند شنیده نمیشود
درین شب خزانی تنها مرغابیهای وحشی اند که از کنار علفهای
لرزان پیایی بانگ بر میدارند .
با اینهمه ای شهر تیره کنار دریا ، دل من برای همیشه در
گروتوست زیر اتونی که رویاهای جوانی مرا در خود پنهان داری .

بقلم آقای مهدی مفتاح معاون هنرستان موسیقی ملی

(انجمن موسیقی ملی)

هنرستان موسیقی ملی

موسیقی ایران در ادوار گذشته مخصوصاً قبل از اسلام دارای اهمیتی بسزا بوده و موسیقی دانان نه تنها در بین طبقات مردم بلکه در دربار سلاطین نیز مقامی شامخ و ارجمند داشته اند . بطوریکه مورخان نوشته اند و از دواوین شعرا مستفاد میشود موسیقی ایران قبل از اسلام بیشتر طرب انگیز و نشاط آور بوده است ولی حوادث ایام از قبیل هجوم تاتارها و مغولها و قتل وغارت های پیایی چنان تیشه بر ریشه ملت زد که اثری از نشاط در اوباقی نماند ازین رو موسیقی ایرانی نیز حالت خاصی پیدا کرد که هم با آهنگهای اقوام مهاجم مخلوط شد و هم سوزناک و حزن - انگیز گشت .

این حال سالهای دراز دوام یافت تا اینکه پای اروپائیان باین کشور باز شد و کم کم موسیقی اروپایی نیز در موسیقی ایران نفوذ کرد و جوانان کم تجربه و بی مایه که خود را هنرمند و استاد موسیقی میدانستند کار را بجائی رساندند که موسیقی ایرانی حالت اصلی خود را بکلی از دست داد و مخلوطی شد از موسیقی ترکی و هندی و اروپایی و عربی و غیره . در چنین حالی که موسیقی ایرانی رو بزوال میرفت لازم بود که عده ای هنرمند باسواد و عالم بعلوم موسیقی دامن همت بکمر بندند و از انحطاط و ابتدالی که گریبانگیر موسیقی ایرانی شده بود جلوگیری نمایند .

در سال ۱۳۲۴ چند تن از بر گزیده ترین نوازندگان پایتخت براهمنامی آقای روح الله خالقی گرد هم جمع شدند و انجمنی بنام انجمن موسیقی تأسیس نمودند تا با کمک و همکاری یکدیگر کنسرت



دو نفر از دوشیزگان هنر جو در حال نواختن یک قطعه

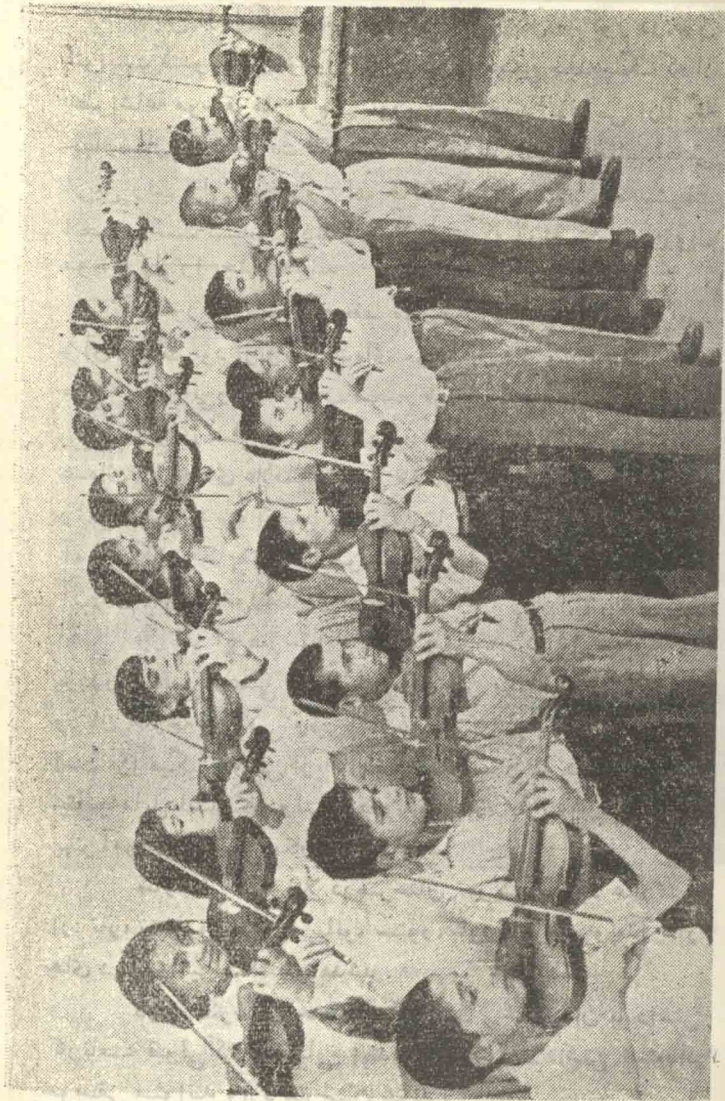
از روی نت

های متنوعی ترتیب داده ازین راه موسیقی صحیح ایرانی را بسمع مردم برسانند. گرچه در سال ۱۳۰۰ استاد محترم آقای علی‌نقی وزیر یك مدرسه موسیقی و کلوپ موزیکالی تأسیس نموده شاگردانی تربیت کردند و کنسرت‌های جالبی دادند که در پیشرفت موسیقی ایرانی بسیار مؤثر بود ولی متأسفانه آن مدرسه بواسطه اشکالات مالی وعدم توجه دولت دوام نیافت.

تأسیس انجمن موسیقی ملی قدم تازه‌ای بود که با حسن استقبال جمع کثیری از هنرمندان و دوستان اران هنرمواجه گشت. کنسرت‌های این انجمن ابتدا در پایتخت و بعد در شهرستان‌های بزرگ مانند تبریز و اصفهان ورشت و بندر پهلوی و آبادان و اهواز و غیره همه با موفقیت شایان توأم بود. درین کنسرت‌ها شنوندگان بخوبی متوجه میشدند که موسیقی ایرانی هنوز ازین فرقه و حتی پیشرفت نیز کرده است.

شاید کمتر مؤسسه مفیدی درین کشور باشد که با کارشکنیها و مخالفت‌های عده‌ای مغرض و حسود مواجه نشود. انجمن موسیقی ملی نیز ازین مصائب برکنار نبود و گذشته از کارشکنی‌های مخالفان عدم توجه دولت هم دخیل بود زیرا این مؤسسه مخارجی داشت و برای ادامه کنسرت‌ها و چاپ نوت و تهیه محل مناسب بایستی عایداتی داشته باشد و این جز با کمک دولت میسر نمیشد. متأسفانه دولت هیچگونه کمکی بانجمن موسیقی ملی نکرد در نتیجه کنسرت‌های مرتب انجمن دچار تعطیل گردید و اکنون فقط يك ارکستر بنام ارکستر انجمن موسیقی ملی هفته‌ای یکبار در وان‌یونوازندگی میکنند.

درینجا باید متذکر گردید که اداره تبلیغات و رادیو بجای آنکه ازار کستر منظم چنین انجمنی استفاده کند آهنگهای مبتدلی را که توسط عده‌ای بیسواد و مبتدی ساخته شده و ابداً ارزش هنری ندارد مرتباً از رادیو تهران بگوش مردم میرساند!



ارکستر موسیقی ملی در حال نوازی